

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۹۱ خرداد ۱۳۹۱

تصویب بودجه و پیامدهای ناشی از آن

بودجه سال ۱۳۹۱ پس از چند ماه مناقشه میان مجلس و دولت در ۳۱ اردیبهشت با تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان، برای اجرا از اول خرداد، به دولت ابلاغ شد. احمدی نژاد نخست از اجرای آن سرباز زد و مصوبه مجلس را به شورای حل اختلاف قوا فرستاد. اما پس از سه روز تسلیم شد و دستور اجرای قانون بودجه را به دستگاههای ذیربط صادر کرد. اکنون با وجودی که ماه خرداد هم به پایان خود نزدیک است اما مخالف خوانی های دولتیان را سر باز ایستادن نیست. آنها فاز دوم باصطلاح هدفمندی یارانه ها را نیز معطل گذاشته اند و با وجود ابلاغ علی لاریجانی به دولت در ۱۲ خرداد، از تاریخ اجرای آن فعلا خبری نیست. دور تازه اختلاف میان کابینه و مجلس از آنجا شروع شد که لایحه بودجه بجای ۱۵ آذر، روز ۲ بهمن یعنی با تاخیری ۵۷ روزه و در تقابل آشکار با آیین نامه داخلی مجلس، تقدیم شد. از ویژگیهای جریان رسیدگی بودجه امسال یکی هم این بود که دولت برای نخستین بار از انتشار عمومی متن کامل لایحه خود داری کرد و جزئیات دقیق آن بر همه جز محارم پوشیده ماند. با وجود این بمصادق این مثل معروف آش آنقدر شور بود که خان هم بصدا در آمد. لایحه پیشنهادی آنقدر بهم ریخته و بی حساب و کتاب بود که صدای مجلسیان هم بلند شد. همان ملاحظات اولیه نشان داد که هیچ کدام از اصولی که در تنظیم بودجه می بایست مبنا قرار داده شود، رعایت نشده بود. قانون برنامه و بودجه، قانون محاسبات عمومی، اصل تقدم در آمد بر هزینه، اصل تعادل بودجه، اصل تخصیص و بسیاری موارد دیگر که گویا از روی قصد زیر پا گذاشته شده بود. ادامه در ص ۳

در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی چه می گذرد؟

در هفته های اخیر کشمکش ها و بگو مگوهای میان سردمداران رژیم اشکال تازه ای یافته است. سهم خواهی و باج طلبی های رایج میان باند های حاکم، انحصار طلبی و سیاست حذف رقیب در بزنگاه های سیاسی و بازار گرمی و پارکشی زود هنگام برای انتخابات ریاست جمهوری، همه ابعاد ماجرا و مضمون تحولات احتمالی پیش رو را توضیح نمی دهد. برای تبیین بیشتر حوادث جاری بر شماری موارد خصلت نمایی چند راهگشاست:

۱- کارزار کم سابقه ای جهت تقدس زدایی از رهبر و ایجاد تردید در توانایی انجام وظایف رهبری به راه افتاده است. رفسنجانی در اظهاراتی صریح، مجلس خبرگان را به نظارت بر رهبری فراخوانده و خواستار تهیه فهرستی از جانشینان باصطلاح شایسته شده است. گویا کسانی در هرم قدرت تدارک حذف خامنه ای را می بینند و یا احتمال در گذشت او جدی تر شده است.

رفسنجانی در جایی دیگر خصوصیات و محاسنی را در شخصیت خمینی بعنوان رهبر کاریزما عمده کرده است که خامنه ای فاقد آن است. از جمله گفته است: از امام خمینی پرسیدم که آیا با امام زمان دیدار می کند، ایشان گفتند خیر. این در حالی است که طرفداران خامنه ای از جمله کراماتی که به او نسبت میدهند دیدار با ولی عصر است. در این میان انتشار خاطرات حسن روحانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی و مذاکره کننده اصلی هسته ای در دوران خاتمی شاید بی ارتباط با این موضوع نباشد. ادامه در ص ۲

در این شماره

۴ ص	نمایندگان مجلس هشدار میدهند
۵ ص	زبانها را می برند و.....
۷ ص	زندگی کارگران در.....
۸ ص	آسیب های محیط زیست و.....
۱۰ ص	از «اوروکمونیسیم» تا.....
۱۴ ص	آیامیدانید در.....
۱۶ ص	به مناسبت.....
۱۷ ص	حقوق اقلیت ها
۱۸ ص	به ادعای رژیم.....
۱۹ ص	هشدار ۱۱۷ تن از.....
۲۱ ص	نولوم ده بیر حیاتدیر.....
۲۴ ص	عارف صفا شعرلر

تیرگی روابط میان ایران و آذربایجان به زبان خلقهای هر دو کشور است

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوریهای ۱۵ گانه آن استقلال خود را اعلام نمودند و به تدریج از طرف دیگر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و به عضویت سازمان ملل درآمدند. دولت ایران نیز در پی دیگر کشورهای جهان، استقلال این جمهوریها و از آن جمله استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخته و مطابق حقوق بین المللی با این جمهوری روابط دیپلماتیک برقرار نمود. از آن زمان حدود ۲۰ سال می گذرد. طی این سالها، در وضعیت سیاسی منطقه قفقاز تغییرات زیادی روی داده است و دولتهای این منطقه در چارچوب منافع ملی خویش، روابط خود را با دیگر کشورهای جهان تنظیم و تحکیم می کنند. مهمترین بحرانی که در منطقه قفقاز به وجود آمده، تجاوز جمهوری ارمنستان به اراضی جمهوری آذربایجان، اشغال ۲۰ درصد از خاک این کشور و آواره گرداندن حدود یک میلیون نفر از شهروندان آذربایجان است. با اینکه ۱۸ سال از آتش بس می گذرد، هنوز تلاشهای دیپلماتیک به حل این مناقشه منجر نشده است. ادامه در ص ۲۳

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

در صحنه سیاسی.....

روحانی در خاطرات خود ناکامیهای گذشته رژیم در مذاکرات اتمی را به گردن خامنه ای انداخته است. در همین ارتباط انتصاب مجدد رفسنجانی به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از حدت و گمانهای بسیار، حضور پر رنگ او در صحنه سیاسی پس از به محاق رفتن نسبتا طولانی، دیدارهای و مصاحبه های پی در پی بیشتر نشانه درماندگی رهبر ارزیابی شده است.

2- انتخابات مجلس نهم در غیاب حضور جدی مردم و نمایندگان واقعی آنان بر گزار شد. به رغم حذف استصوابی - نظامی مدعیان نمایندگی احیانا مشکل ساز باز هم وحدتی را که زعمای قوم انتظار داشتند بیار نیامد. و سپاه به منظور تامین خواستهایش به روال انتخابات گذشته وارد میدان شد. در پایان این کارناوال، علی مطهری برادر همسر علی لاریجانی مدعی دخالت سپاه در انتخابات شد. دیگرانی نیز به او پیوستند. حتی علی لاریجانی رئیس مجلس و صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه ادعا ی او را رد نکردند. گفته شد این اظهارات بدون اطلاع خامنه ای نمی توانسته مطرح شود. مطهری در توضیح شان بیان این ادعا گفته است که به نظر او حوزه رفتار سپاه تا حدی فرا رفته که تذکر عمومی را موثر دانسته است. آنچه در این میان قابل توجه است، بی تردید دخالت آشکار سپاه در سیاست و انتخابات نیست. چرا که همین نهاد در سال 84 احمدی نژاد را بگفته ذوالقدر فرمانده پیشین سپاه با چراغ خاموش برکسی ریاست جمهوری نشانند و در سال 88 برای ریاست مجدد او علیه مردم کودتا کرد. بنا براین بنظر میرسد ریشه دعوا کمی عمیق تر باشد. درست در میانه اصرار علی مطهری و انکار خشن آلود سپاه، شاهد از غیب رسید. سند چرایی دخالت سپاه در انتخابات منتشر شد. در ۱۴ اردیبهشت در حرم شاه عبدالعظیم، سرداری بعنوان سراج از هادیان سیاسی سپاه، ضمن سخنرانی برای توجیه سپاهیان قرارگاه خاتم، از هاشمی جریان فتنه، احمدی نژاد جریان انحرافی و علی لاریجانی جریان ایکس، بعنوان سه راس مثلثی علیه خامنه ای یاد کرده است. این سردار گفته است که اگر لاریجانی رئیس مجلس شود، مثلث مذکور تکمیل شده و جام زهر مذاکره با آمریکا به رهبری جمهوری اسلامی نوشانده خواهد شد.

3- مذاکرات هسته ای و حواشی آن نیز در این روزها بن بست دیگری است که برای رهایی از آن بحث و نظرهای تازه ای مطرح شده است. پس از ده سالی که از عمر این گفتگوها می گذرد، اکنون صداهایی بوضوح بگوش می رسد که تا پیش از این به سختی شنیده می شد. بسیاری به باز بینی راه طی شده پرداخته اند. کنفرانس فرصت ها و راهکارهای سرمایه گذاری در ایران برگزار کرده اند. برای بررسی تحولات خاورمیانه و آینده منطقه در همایش به همین نام گرد هم آمده اند. بیش از پیش بر اهمیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئو اکونومیک تاکید می شود. و ضمن لحاظ کردن وضع متلاطم بین المللی و منطقه ای، اوضاع و احوال در حال انفجار داخلی را توجیه مصلحت اندیشی و چاره جویی قرار داده می شود. ظاهرا با چنین روحیه ای بود که نمایندگان رژیم با اختیار تام از خامنه ای در تاریخ ۱۹ فروردین (سالروز قطع

رابطه با آمریکا) به اجلاس ۱+۵ در استانبول رفتند. غربی ها تمایل از سر چاره اندیشی جمهوری اسلامی را بسرعت حدس زدند و از آن استقبال کردند. رژیمی که رهبر آن، رئیس بانک مرکزی اش را به این دلیل که پس از اعلام تحریمها موقعیت کشور را همانند وضعیت مسلمانان صدر اسلام در شعب ابوطالب (یعنی در وضعیت محاصره قرار داشتن) دانسته بود، نادان خطاب کرده بود، حالا گردانندگان ریز و درشت اش از دامنه تاثیر تحریم ها حرف می زنند و برای لغو این تحریم ها به این در و آن در می زنند. پس از نشست استانبول به یک باره حال و هوای خوشبینی همه جا را فراگرفت. اما تنها بغداد(سه خرداد سالروز فتح خرمشهر) بود که پس پنهان ماجرا روشن شد. رفسنجانی در توضیح این مسئله طی مصاحبه ای گفته است: هم ما می خواستیم در داخل کشورمان امیدی پیدا شود و هم غربی ها نیاز دارند به خاطر مشکلات فراوان اقتصادی که دارند، مذاکره داشته باشند. لذا هر دو تلاش کردند که بگویند فضای مثبتی است و امید ایجاد کنند. اما در بغداد معلوم شد که اینطور نیست. در بغداد ماهیت سیاسی - امنیتی مذاکرات هسته ای نسبت به جنبه فنی و تکنیکی آن صراحت بیشتری یافت و از قضا معلوم شد که بنا بر همان مشکلات فراوان اقتصادی جا و موضع ایران در محاسبات استراتژیکی غربی ها نقش جدی تر یافته است.

هنری کسینجر در یکی از آخرین مصاحبه هایش بار دیگر اعلام کرده است که در جریان حوادث منطقه، ایران آخرین خاکریز برای کنترل روسیه و چین است. و اینکه محافل امپریالیستی در گفتگوهای خود پیوسته بر ضرورت تغییر رفتار رژیم پا فشاری می کنند، در واقع نگرانی خود را از پیدایش شرایطی بیان می کنند که ممکن است اوضاع را غیر قابل کنترل کند. در تایید و پذیرش همین معادله است که رفسنجانی در مصاحبه پیش گفته با روزنامه جمهوری اسلامی ابراز می دارد که اگر روابط معمولی با دنیا داشتیم و بی خودی هم ما و هم آنها بهانه گیری نمی کردیم برای استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی مشکلی نمی داشتیم.

همانطور که در آغاز این نوشتار اشاره شد و همه موارد پیش گفته نیز بر آن اشارت دارد، در صحنه سیاسی کشور و در سرای قدرت تحولاتی در راه است که مضمون آن بیشتر ناشی از اضطرار و مصلحت حفظ نظام است. ورشکستگی اقتصادی رژیم، بحران مدیریتی آن، دامنه بحران جهانی اقتصاد و نا توانی امپریالیسم در مهار آن به درجه ای است که با شیوه های گذشته مشکل بتوان به اداره امور پرداخت. صحنه های علی لاریجانی در باره تغییر قانون اساسی ضرورت تشکیل احزاب و ترمیم فکری و فراهم کردن امکان گردش سیستماتیک نخبگان و نیز هشدار هاشمی رفسنجانی مبنی بر اینکه بی اعتنائی به اصلاحات، انقلاب بدنبال خواهد داشت در همین رابطه است. این اظهارات حتی بیانگر تلاش منطقی بخشی از حاکمیت برای عبور از بحران و در چارچوب و محدوده، اندرونی و در تقابل با اقبال قدرتمند نظامی اش هم باشد دامنه و سر نوشت بعدی آنها به چگونگی جنبش های اجتماعی و آرایش نیروهای مردمی بستگی خواهد داشت.

تصویب بودجه و....

بهر جهت لایحه بودجه مطابق روال معمول برای بررسی تخصصی به کمیسیون های مختلف مربوط فرستاده شد. در این حیص و بیص در اوایل فروردین ۹۱ دولت خود سرانه فاز دوم هدمندی یارانه ها را کلید زد. پیشاپیش مبلغ ۲۸ هزار تومان مابه التفاوت فاز اول و دوم هدمندی را بحساب دریافت کنندگان یارانه نقدی واریز کرد. کاسه صبر مجلس نشینان هشتمین دوره لبریز شد. در حالیکه تورم و گرانی فزاینده همانطور که از آغاز فاز اول پیش بینی شده بود، امان مردم را بریده بود، گردانندگان رژیم هنوز بر سر نتایج اجرای فاز اول به ارزیابی واحدی نرسیده بودند، خواست و اقدام احمدی نژاد و همفکرانش در کابینه بمعنای تمویل عواقب سیاسی خاصی بر رژیم تلقی شد. علی لاریجانی با یاری رهبر و با این دلیل که اوضاع چندان مناسب نیست و از طرف دیگر هر هزینه ای از جمله پرداخت یارانه نقدی باید با تصویب مجلس باشد، انجام فاز دوم را موکول به بعد از تصویب بودجه کرد.

از سوی دیگر پس از مدتها بحث و کنکاش در کمیسیون های مختلف، نمایندگان نتوانستند و یا نخواستند سر و ته بودجه را هم بیاورند. کمیسیون تلفیق در روز ۲۰ فروردین همزمان با اجلاس ۱+۵ در استانبول کلیات آنرا رد کرد و تصمیم داشت که لایحه را به دولت بر گرداند. اما این بار هم لاریجانی واسطه شد و توصیه رهبری مبنی بر حساسیت اوضاع بین المللی و داخلی را به اطلاع نمایندگان رسانید. نمایندگان روز ۲۱ فروردین کلیات لایحه را با این امید که بتواند محتویات و جزئیات آنرا مطابق میل تغییر بدهند، تصویب کردند.

در نهایت پس از روزها بررسی فشرده، صحن علنی مجلس، مجلسیان با حذف ۱۴ احکم و اضافه کردن ۴۶ بند به لایحه و با عطف توجه به اسناد بالا دستی همچون قانون اساسی، سند چشم انداز ۲۰ ساله، برنامه پنج ساله، قانون هدمندی یارانه ها، اصل ۴۴ مصوب رهبر، ضمن افزایش ۱۱٪ در صدی حجم بودجه، قانون بودجه ۱۳۹۱ را با سقف ۵۶۶ هزار میلیارد تومان تصویب کرد. منابع حاصل از فروش نفت ۶۱ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومان تعیین شد طبق مصوبه دولت می تواند ۲۵ میلیارد دلار

اوراق مشارکت بفروشد، ۳۰ میلیارد دلار اموال و دارایی هایش را برای پرداخت بدهی هایش بفروش برساند، و میزان در آمد مالیاتی ۴۶ هزار میلیارد تومان پیش بینی شد. نفت برای هر بشکه ۸۵ دلار در نظر گرفته شد و قیمت هر دلار ۱۲۲۶ تومان تعیین کردند.

به دولت اجازه داده شد که ۶۶ هزار میلیارد تومان از محل آزاد کردن تدریجی حامل های انرژی و نان و برق و غیره دریافت کند. در لایحه دولت ۱۳۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته بود.

اختلاف ارقام کلی لایحه با بودجه مصوب جزئی است. و در نتیجه نمیتواند علت اصلی مخالفت ها و بی تابی های احمدی نژاد باشد. اعتراض رئیس جمهور به قانون بودجه دلایل دیگری دارد که آنها باید در احکام حذف شده و بندهای اضافه شده جستجو کرد. گفته می شود در قانون

بودجه دست و بال رئیس کابینه بسته شده است. او دیگر مانند گذشته در جابجایی هزینه ها، دستبرد به درآمدهای نفتی و صندوق توسعه ملی (یا صندوق ذخیره ارزی)، قرض از سیستم بانکی و غیره چندان فعال مایشاء نخواهد بود. بویژه، کاهش مبلغ دریافتی دولت بابت افزایش قیمت حامل های انرژی از ۱۳۵ هزار میلیارد تومان به ۶۶ هزار میلیارد تومان همه نقشه های احمدی نژاد را نقش بر آب کرد. در نتیجه کسی که برای اجرای فاز دوم هدمندی یارانه ها حتی منتظر مجلس هم نمانده بود، حالا با تصویب و ابلاغیه مجلس هم حاضر به انجام آن نیست.

برای فهم دقیق تر حقیقت روندهای اقتصادی در رژیم جمهوری اسلامی و منطقی که بر جریان تبدیل لایحه به قانون مصوب مجلس حاکم بوده است. تنها تکیه بر چگونگی شاخص های اقتصادی کلان کفایت نمی کند. باید ساختار اقتصاد سیاسی موجود را بررسی کرد و از این لحاظ اتفاقا لایحه بودجه آئینه تمام نمای این ساختار است. و بخوبی شرایط و اشکالی که در آن تولید و توزیع و مبادله در کشور صورت می گیرد را می نمایاند.

در اینکه بودجه تورم زاست، هر دو طرف دعوا قبول دارند. اینکه بودجه نفتی تر از قبل شده است همه اتفاق نظر دارند. اما از تورم چه کسانی و یا گروههایی سود می برند. پول نفت به جیب چه دار و دسته هایی واریز می شود. منابع مالی در اختیار کدام گروهها قرار دارد. دولت برای پرداخت بدهی هایش اموال دولتی را به کدام نهادها می فروشد. از ساختار هزینه ها و چند و چون آن خبری نیست.

لایحه و قانون بودجه بخوبی نشان میدهد که این سند در واقع برنامه سیاسی - مالی سالانه رانت خواران نظامی - امنیتی حاکم بر کشور است. و اگر دعوی وجود دارد بر سر چگونگی تقسیم غنایم است نه چیز دیگر. بنا براین مادام که ساخت قدرت کنونی پا بر جاست:

- درآمدهای بودجه تحقق نمی یابد.

- کسری بودجه قطعی است و بر بدهی های دولت افزوده می شود. (مطابق گزارش بانک مرکزی بدهی دولت از سال ۸۴ تا ۹۰ چهار برابر شده و ۱۱ هزار میلیارد تومان به ۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است).

- نقدینگی افزایش می یابد و رقم آن به حجم تولید ناخالص داخلی نزدیک می شود. (پیش بینی میشود که امسال حجم نقدینگی به ۴۳۰ هزار میلیارد تومان برسد).

- تولید به خواب عمیقتری خواهد رفت، اقتصاد وارداتی تر و اقتصاد سایه قدرتمندتر خواهد شد. و رشد بیکاری، گرانی و تورم شتابان تر خواهد شد.

نمایندگان مجلس هشدار میدهند

گوناگونی زبان و قومیت آفریده اند. اگر هیرانی با تدبیر در راس این کشور قرار می‌گرفتند، ایران نیز مانند چین در راستای رشد شکوفاتی قرار می‌گرفت. و مردم از زندگی بهتری برخوردار میشدند. این وضع نابسامان، دویست نفر از نمایندگان مجلس را به اعتراض واداشته است. این نمایندگان اعلام کرده اند که امنیت غذایی کشور در خطر است.

آنها می‌گویند جای تاسف است که در سال حمایت از تولید ملی، ضد تولید ملی عمل میشود. این نمایندگان هشدار میدهند که خسارات جبران ناپذیر، تولید کشاورزی و امنیت غذایی را تهدید میکند. آنها از دولت میخواهند علت رو به کاهش نهادن تولیدات کشاورزی را هرچه سریعتر بر طرف کند. در این بیانیه گفته میشود: چند ماه است که ذخیره ژنتیک در بخش تولید شیر مورد مخاطره شدید قرار گرفته و هزاران گاو شیری به کشتارگاهها تحویل شده اند. جبران این واقعه میسر نیست مگر با سالها وقت و سرمایه گذاری زیاد. در این بیانیه اضافه میشود قیمت علوفه دامداران را با ضرر سنگین مواجه میکند. اگر این وضع ادامه پیدا کند دولت مجبور خواهد شد از خارج شیر خشک وارد کند. وضع بجایی رسیده است که تعداد زیادی از واحدهای تولیدی شیر تعطیل و جمعیتی به خیل بیکاران کشور افزوده شده است. کمبود شیر قیمت ها را بالا برده است. دولت برای جلوگیری از تورم برای لیتر شیر ۶۳۰ تومان نرخ تعیین کرده است در حالیکه قیمت تمام شده برای هر لیتر شیر حدود ۸۰۰ تومان است. نرخ خرید هر کیلوگرم گندم ۳۹۵ تومان تعیین شده است. در حالی که قیمت تمام شده حدود ۵۵۰ تومان است. بدین ترتیب دولت برای کشاورزان خسارات جبران ناپذیری تحمیل کرده است. با این سیاست تولید بخش کشاورزی نابود خواهد شد و زمینها را برای واردات بی رویه فراهم می‌شود. تصویب ۲۴ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی در همین راستا قرار دارد. دولت با این عمل خود حد اکثر فشار را به تولید کنندگان شیر و گندم وارد میکند. در حالی که قیمت خودرو و امثال آن از طرف دولت کنترل نمی‌شود. تاسف آور است که بجای کمک به کاهش هزینه های تولید، خود تولید هدف قرار می‌گیرد. این نمایندگان از دولت انتظار دارند که اقدامی برای بر طرف کردن این ظلم فاحش، انجام دهد. و نتیجه را به مجلس شورای اسلامی اعلام نماید.

بحران اقتصادی به حدی رسیده است که نمایندگان مجلس نیز نمی‌توانند در مقابل آن سکوت کنند. صدای این گروه از نمایندگان بازتاب بخشی از فریادهای مردمی است که از گرانی و بیکاری رنج می‌برند. و چاره ای جز «تحمل» ندارند. اما این تحمل طولانی نخواهد بود.

بحران اقتصاد کشاورزی، مانند اقتصاد صنعتی نتیجه بی توجهی دولت و سرمایه داران سازشکار ایران است. دولت بجای اینکه میلیاردها در آمد نفت را برای رشد و توسعه اقتصاد کشور مصرف نماید. در مسیر واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی قرار میدهد. از اعمال چنین سیاستی میتوان نتیجه گرفت که هم دولت و هم سرمایه داران سازشکار تصمیم گرفته اند تا اقتصاد کشور را به ویرانی بکشانند. با واردات وسیع کالاهای بنجل و ارزان قیمت به بازار و سودهای کلان ناشی از این تجارت تیشه به ریشه تولید ملی می‌زنند.

طبیعی است صنایع ملی نمیتواند در مقابل چنین بازاری مقاومت کند و به تدریج ورشکست میشود و از صحنه اقتصاد کشور خارج میگردد. و از سوی دیگر کشوری که مواد خوراکی و پروتئینی و حتی کالاهای کشاورزی بویژه میوه جات را از خارج وارد میکند اقتصاد کشاورزی را مانند صنایع به نابودی می‌کشاند. بر اثر این سیاست است که کشور به بازار بزرگ کالاهای خارجی تبدیل گردیده است. درآمد کلان نفتی این سیاست زیانبار را جبران میکند. اعماق خاک ایران به دریایی از طلای سیاه انباشته است. این دریا به خارج از کشور جاری است و به دلار تبدیل می‌شود. بعبارت دقیقتر دلارهای ناشی از فروش بی رویه نفت برای سیر کردن شکم ایرانیان و بویژه برای پر کردن جیب صاحبان ثروت و قدرت استفاده می‌شود. دیری نخواهد پایید که اعماق خاکهای ایران از نفت تهی خواهد شد و فریاد نسل های آینده از این بیدقتی و اعمال کاری پدران خود بلند خواهد شد که ثروتی که متعلق به تمام نسل هاست با بی توجهی و سودجویی حاکمان بر باد رفته است و با کشوری روبرو هستند که نه از جهت صنایع و تکنولوژی رشد کرده است و نه از جهت کشاورزی پیشرفت. چنین خطری در انتظار نسلهای آینده است. فرزندان آینده، دشواریهای زندگی را در کشوری عقب مانده، نتیجه بی تدبیری پدران پیشین خود خواهند دانست. کشور پهناور چین که در آن بیش از یک هفتم اهالی کره زمینی ساکن هست. در عرض سی سال اخیر به یک کشور معجزه آسا تبدیل شده است. این معجزه را دولت چین می‌آفریند. و این آفرینش در اقتصاد چین به حدی شکوفا گردیده است که اکنون چین به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شده است. چین نه نفت دارد نه گاز. این کشور در این مورد دچار قهر طبیعت شده است. اما انسان فعال و با تدبیر چینی به این قهر فائق آمد. در چین انسان گرسنه وجود ندارد.

ایران شاهنشاهی ثروت ملت را در دست مشتکی از قدرتمندان متمرکز نمود و پادشاه ایران میلیاردها دلار ثروت ایرانیان را به خارج منتقل نمود و اکنون فرزندان آن بحساب همین ثروت در آرزوی دست یابی به قدرت سیاسی بسر می‌برند. حکومت انقلابی ثروت پادشاه و دور بر آثار مصادره نمود. و در بنیادهای خیریه متمرکز کرد. ولی ثروت دوران رژیم گذشته و ثروت کنونی نتوانسته شکم های گرسنه را سیر کند. ایرانیان دارای تمدن دیرینه هستند. این تمدن را مردم غیور ایران صرف نظر از

زبانها را می برند و دهان ها را می دوزند

به تو چه که هر دقیقه دو کیلو مواد مخدر کشف میشود و سن اعتیاد به ۱۲ سال رسیده است. به تو چه که چهل و هفت درصد زندانیان کشور مشکل اعتیاد دارند. به تو چه که در نتیجه اقتصاد زیرزمینی کودکان ما شبها تا دیر وقت و در عمق شب، کار و با دستهای کوچکشان ... دعا میخوانند... بهبود اوضاع این کودکان در جا بجای «ارزش افزوده» ارزش خود را نشان میدهد. به تو چه که سرمایه مالی با هدف سود هرچه بیشتر این جهان را می بلعد.

رئیس دانا نه تنها اقتصاددان است بلکه او دارای افکاری مترقی است و ایده های سوسیالیستی یعنی ضد سرمایه داری دارد. و بدین سبب است که نویسنده مقاله او را «سرزنش» میکند تا خاموش شود و به «آرامی» زندگی نماید. اما رئیس دانا تنها نیست و اولین کسی نیست که ماهیت غیر انسانی سرمایه داری کلان را درک کرده است. جهان کنونی در مرحله ای از رشد و آگاهی رسیده است، که نه تنها دانشمندان بلکه ۹۹ درصد ساکنین کره زمین به ماهیت ضد انسانی سرمایه پی برده اند و برای تغییر آن مبارزه میکنند. طبیعی است حاکمان یک درصدی در برابر این جنبش سراسری مقاومت میکنند.

در کشورهای دمکراتیک بر خورد با این مقاومت شکل بی رحمانه بخود نمی گیرد. یعنی کشت و کشتار و ضرب و شتم بکار گرفته نمیشود. در کشورهای عقب مانده هوادارن جنبش ضد سرمایه داری بشکل بی رحمانه ای سرکوب میشوند، دستگیر و شکنجه میگردند و حتی به مرگ محکوم میشوند. حاکمان زورگو بر این باورند که با سرکوب مردم میتوان ثروت ملی را برای ابد در اختیار خود داشته باشند. به همین خاطر به خشن ترین صورت در مقابل مردم ایستادگی می کنند. اما نمی توان با بریدن زبان ها و دوختن دهان ها آشتی میان فقر و ثروت را برقرار نمود.

ایران یگانه کشوری است که در آن سخن گفتن با دشواریهای عیدیه مواجه می گیرد. هیچ فرد صاحب نظری «حق» ندارد. در دفاع از منافع ملی سخنی و رای نظریات رسمی حاکمیت بیان کند. فریبرز رئیس دانا دانشمند سرشناس و اقتصاددان مشهور قربانی همین سیاست شد. او به «جرم» مخالفت با اجرای «طرح هدفمند سازی پارانه ها» دستگیر و به یک سال زندان محکوم گردید. آقای رئیس دانا عضو کانون نویسندگان ایران است. در همین رابطه، کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای بازداشت وی را محکوم و آزادی فوری آنرا خواستار گردید.

در هیچ جای دنیا کسی را به اتهام اظهار نظر مورد مواخذه قرار نمیدهند. و کسی را به جرم مخالفت با سیاست های رسمی دستگیر نمیکنند. در کشورهای آزاد و دمکراتیک انتقاد از دولت و اظهار نظر درباره قوانین موجود، حقوق حقه همه شهروندان محسوب میشود. یکی از نویسندگان ایرانی بدرستی خطاب به آقای رئیس دانا چنین میگوید: «این است روزگار ما صدای در میهن ما با طول موجهای متفاوتی که شنیدنش، حس کردنش، ادراک خواست خود را دارد. آنچه از اعماق، آرام آرام در حال فوران است با به بند کشیدن تو و امثال تو آیا از تلاطم می افتد».

در این مطلب چنین گفته میشود. مرگ در میهن ما صدای آرام دارد. روزمره به در خانه ها میروند. و سهم خویش را بر میدارند. فراهم نمودن چنین وضعیتی نتیجه آن سیاستی است که هزینه اش را تنها کارگران، زحمتکشان و تهیدستان جامعه بابت تحکیم پایه های «قدرت نو» و چراغ سبز به سرمایه مالی پرداخت میکنند. حالا (خطاب به رئیس دانا) به تو میگویند: «به تو چه که شصت درصد کارگران زیر خط فقر زندگی میکنند و فرزندان دختر و پسر خرد سالشان روزها و شبها باید در خیابانها پرسه بزنند...» نویسنده ادامه میدهد و میگوید: به تو چه که ۷ میلیون بیکار آشکار و پنهان داریم. روزانه سیصد جوان به جرگه اعتیاد وارد میشود. و سه تا چهار میلیون معتاد در مملکت است و ۱۵ میلیون نفر درگیر مسئله اعتیاد داریم.

جهانی شدن اقتصاد و تاثیرات آن بر اقتصاد ملی کشورها

به دریافت وام و اعتبار مالی از بنگاههای معتبر مالی جهانی خواهند شد که توصیه ها و الویت بندیهای آنها را در زمینه انجام اصلاحات اقتصادی که عبارت است از خصوصی سازی های بی حد و مرز و در عین حال به حد اقل رساندن سهم و نقش دولتها را در ساختار اقتصادیشان بپذیرند. به همین دلیل با شروع و ادامه پروسه جهانی شدن اقتصاد. دولت ها بسیاری از اهرم های کنترل و نظارت بر اقتصاد ملی خود را از دست داده اند و دوران محصور ماندن فعالیتهای تجاری، خدماتی و مالی بخش خصوصی در چارچوب مقررات دولتی کشورها سپری شده است. شرکت های خصوصی در

در چارچوب مناسبات اقتصادی که بر دنیای امروز حاکم است. اقتصاد ملی کشورهای مختلف بشدت تحت تاثیر سلطه و هژمونی اقتصاد جهانی شده قرار گرفته است. اقتصاد جهانی شده، دنیایی را ایجاد نموده که در آن نیروهای فراملی اقتصادی یعنی انحصارات بزرگ چند ملیتی و تشکیلات های بین المللی حمایت کننده آنهاست مانند: بانک جهانی - صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی کنترل بخش عظیمی از سیاست گذاریها و فعالیتهای اقتصادی کشورهای مختلف جهان را در دست گرفته و سیاستهای اقتصادی مورد نظر خود را به کشورهای مختلف دیکته می نمایند. کشورها زمانی موفق

جهانی شدن....

کشورهای مختلف فعالیتهای خود را به امکان و کشورهایی انتقال میدهند که قید و بندهای مقرراتی کمتر، مالیاتها در حد پایین تر و میزان هزینه های مربوط به تامین اجتماعی و دستمزدهای پرداختی به کارگران و کارکنان در حد به صرفه تری باشد. این نخستین بار است که بعنوان گرایش مسلط و غالب در سیستم اقتصادی جهان و خارج از چارچوب های ملی کشورها، چیزی را میتوان در هر جای جهان که هزینه تمام شده کالا و خدمات به صرفه تر باشد ساخت و در هر جای دیگر دنیا که سود حاصله از فروش بیشتر باشد فروخت. به همین دلیل برای سرمایه جهانی شده تعلق خاطر خاصی به جغرافیایی معینی از جهان وجود نخواهد داشت و تنها معیاری که میتواند ملاک گردش کالا و سرمایه باشد، عبارت است از هزینه تمام شده کمتر در مرحله تولید و فروش با سود حداکثر در پروسه فروش است. برای مثال کارخانه های "مرسدس بنز" و "ب. ام. و." در آلمان با هدف صرفه جویی در هزینه های تمام شده بخشهای مهمی از تاسیسات تولیدی خود را به ایالت های آلاباما و کارولینای جنوبی در آمریکا انتقال داده اند و یا شرکت اپل آمریکایی که تولید کننده بزرگ قطعات کامپیوتری و میکرو الکترونیکی است. فعالیت تولیدی خود را به کشور چین منتقل نموده است که با پرداخت حقوق و مزایای ناچیز و با تطبیق ساعت کار روزانه 9 ساعته، در پی کسب سود حد اکثر و تامین هژمونی خود در بازار جهانی می باشد. و نمونه های بسیار دیگری از این قبیل تمامی تلاش ها و فعالیت نهاد های بین المللی اقتصادی و جریانهای سیاسی حمایت کننده آنها بخصوص احزاب دست راستی مدافع سلطه اقتصاد بازار عبارت است از تلاش در جهت تامین هماهنگی و همگرایی میان قوانین و مقررات ملی کشورهای مختلف با مقررات اقتصاد جهانی شده، می باشد. مثلا الزامات مربوط به عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی که شرایط را برای گردش بدون قید و شرط کالا فراهم نموده است. امکان حمایت از تولیدکنندگان داخلی کشورها را در عرصه رقابت های تجاری کالا بسیار سخت و دشوار نموده است و تا حدود زیادی موازنه تجارت جهانی کالا را به نفع کشورها و شرکتهای بزرگی که توانایی بیشتری در عرصه رقابت در بازار جهانی را دارند، تغییر داده است. کشورهای بزرگ عضو اتحادیه اروپا در طی دو دهه گذشته تلاشی را با هدف به اجرا در آوردن سیاست های نولیبرالی اقتصادی به اجرا گذاشتند. این کوشش ها در آن جهت بود که با یکسان سازی قوانین و مقررات مربوط به به فعالیتهای اقتصادی بخصوص در زمینه مالیاتی و مخارج و هزینه های مربوط به تامین اجتماعی و مقررات قانون کار و پول واحد، یک اقتصاد واحد اروپایی را به وجود بیاورند که بتواند بعنوان یک قطب مهم و توانمند در عرصه اقتصاد جهانی منافع کشورهای عضو اتحادیه را تامین نماید. ولی هول و هراسهایی که ناشی از بحران اقتصادی چند ساله اخیر در اروپا و کشورهای سرمایه داری می باشد این حقیقت را به اثبات رسانید که برخلاف تبلیغات طرفداران اقتصاد جهانی شده که معتقد به

ساماندهی اقتصاد جهانی از طریق به حد اقل رساندن نقش دولتها و به حداکثر رساندن نقش بازار در فعالیتهای اقتصادی بودند، بحرانی اکنون اقتصاد جهان را فراگرفته که از نظر حجم و عمق و در مقایسه با بحرانهای قبلی در دهه های گذشته به مراتب شدیدتر و راههای خروج از آن دشوارتر خواهد بود. تا جاییکه کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای خروج از بحران مجبور به ارائه دو راه حل متفاوت گشته اند. راه حل کشور آلمان و طرفدارانش که معتقد به ادامه سیاست ریاضت کشی اقتصادی که مبتنی بر پائین آوردن میزان دستمزدها و به حد اقل رساندن ارائه خدمات تامین اجتماعی به اقشار و طبقات زحمتکش، بالا بردن سن بازنشستگی و افزایش مالیاتها و به حد اقل رساندن هزینه های عمومی و دولتی که در نتیجه امکان باز پرداخت بدهیهای دولتی به بانک ها را ممکن گرداند. و پیشنهاد دوم متعلق به فرانسه است که عبارت است از چاپ اوراق قرضه و پایین آوردن نرخ بهره بانکی با هدف دسترسی آسان سرمایه گذارها به منابع پولی و مالی و همچنین لزوم سرمایه گذاریهای دولتی که بتوانند زمینه را برای رشد اقتصادی و حل معضل بیکاری فراهم نماید. یکی از نمونه های بارز و عبرت انگیز در میان کشورهای بحران زده سرمایه داری کشور یونان است. این کشور یکی از اقداماتی که برای حل مشکلات مالی خود به آن متوسل شده است عبارت است از اجاره دادن یکی از جزیره های خود به سرمایه گذار قطری به مدت 99 سال. این نمونه بسیار نادری است از لاعلاجی کشوری که بدلیل وجود بحران اقتصادی مجبور به واگذاری اراضی خود به شرکت خارجی شده است. در ضمن باید به این مورد مهم و قابل توجه اشاره نمود که کشورهایمانند چین - ویتنام - هندوستان و برخی کشورهای آمریکای لاتین که از الگوی اقتصادی نولیبرال پیروی نکردند. توانسته اند بدون مواجه شدن با آسیب های بزرگ اقتصادی همچنان نرخ بالای رشد اقتصادی خود را تامین نموده و نمونه موفقی از کارایی اقتصاد برنامه ریزی شده با سمتگیری مردمی و دمکراتیک را در معرض آزمون و قضاوت جهانیان قرار دهند. ارائه یک نمونه آماری نشاندهنده این حقیقت است که الگوی اقتصادی نولیبرال در مقایسه با الگوهای کلاسیک اقتصاد سرمایه داری بمراتب غیر انسانی تر و در زمینه تامین رشد اقتصاد در چارچوب مناسبات سرمایه داری نا کارآمدتر بوده است. برای مثال بنا به گزارش سازمان توسعه انسانی وابسته به سازمان ملل متحد. روند تعمیق و گسترش نابرابری در میان کشورهای جهان و همچنین در داخل خود این کشورها از دهه ۱۹۸۰ به بعد بی وقفه افزایش داشته است. بنا بر این گزارش فاصله میان پایین ترین سطح درآمد یک پنجم از پر در آمدترین افراد در کشورهای پیشرفته صنعتی به نسبت همان تعداد از جمعیت کم درآمد در کشورهای جهان در سال ۱۹۹۷ هفتاد و چهار به یک، حال آنکه این نسبت در سال ۱۹۹۰ شصت به یک و در سالهای ۱۹۶۰ سی به یک بوده است. در مقابل وجود چنین منظره نگرانی آوری است که میتوان به این نتیجه رسید که این تنها احزاب مترقی و دمکراتیک و جریانهای فکری و سیاسی مردمی هستند که میتوانند چشم انداز امیدوار کننده ای را با هدف تامین زندگی بهتری برای توده های مردم ترسیم نمایند.

زندگی کارگران در آئینه رسانه ها

کنند. بدین سبب است که بیش از پنجاه درصد کارگران بشغل دوم فکر میکنند. به نظر این کارشناس تا زمانی که اهمیت منابع انسانی در بنگاه ها در حد شعار باشد، صنعت آنچنانچه باید جایگاه اصلی خود را در اقتصاد پیدا نخواهد کرد. در زمان فعلی بین حداقل دستمزد ۳۸۹ هزار تومانی سال نود و یک و نیازهای خانوار کارگری فاصله زیاد وجود دارد. و میتوان گفت که این ارقام تا چهل درصد هزینه های کارگران را تامین میکند. در حالی که یک خانوار کارگر باید حداقل ۶۲۲ هزار تومان دست مزد داشته باشد.

بعبارت دیگر رقم شش صد و بیست هزار تومان باید بعنوان حداقل دستمزد تصویب شود. اما شورای عالی کار این رقم را ۳۸۹ تومان اعلام کرد. بنابه نوشته این روزنامه کارمندان دولت نیز از دایره این مشکلات خارج نیستند. و میزان افزایش حقوق آنها به هیچ وجه با شیب صعودی هزینه هایشان تناسب ندارد.

وضع زندگی کارگران چنان دشوار شده است که رسانه های مجاز نیز نمیتوانند از آن چشم پوشی کنند. آنچه مشخص است کارگران و کارمندان دولت با دریافت حقوق مصوبه شورای عالی کار نمیتوانند هزینه زندگی خود را تامین کنند. در آمد رسمی آنها در مقایسه با هزینه زندگی تنها چهل درصد را تشکیل میدهد. بقیه شصت درصد از کجا باید تامین گردد؟ همه کارگران و کارمندان در کشوری که بیکاری پنجاه درصدی گریبان نیروی کار را گرفته است، چطور میتوانند شغل دوم پیدا کنند. و بجای ده ساعت کار، هفده، هیجده ساعت کار کنند تا زندگی خانواده خود را تامین نمایند.

مقصر کیست؟ مقصر نظام اجتماعی است که جامعه را به دو قطب ثروت و فقر تقسیم کرده است. کارگر و کارمند در این نظام سیاسی آزاد هستند کار کنند و یا کار نکنند کسی مسؤلیت آنها به عهده نمیگیرد. هر روز کارگر نیروی کار خود را در بازار کار عرضه میکند. کشورهای همچون ایران قادر نیستند تمامی نیروهای کار را جذب کنند. در چنین شرایطی بخشی از نیروی کار اضافه به اردوی بیکاران می پیوندد. و این خود سبب میشود تا کارفرما کارگران را با دستمزد پائین تر استخدام کند.

اگر هر دولتی بخواهد زندگی شهروندان خود را تامین کند. باید در نظام اجتماعی تغییراتی بوجود بیاورد. از آن جمله موسسات تولیدی را زیر حمایت خود در آورد و اجازه ندهد کالاهای مشابه تولیدی داخلی به بازار راه یابد. بعبارت دقیق تر تولید ملی در پوشش حمایت دولت قرار گیرد. گرچه رهبران کنونی ایران شعار حمایت از تولید ملی را سر میدهند. اما در عمل هیچ کاری در این راستا انجام نمی دهند.

کارگران ایران دشوارترین دوران زندگی خود را می گذرانند. کارگران در تمام کشورها از جمله در ایران با تکیه به نیروی کار خود یگانه طبقه ای است که ثروت می آفریند. در همه کشورها از جمله در کشورهای رشد یافته نیروی کار آنها توسط صاحبان سرمایه مورد استثمار قرار میگیرد. و ارزش افزوده ای که از نتیجه کار آنها بوجود می آید، در اختیار طبقه ای قرار میگیرد که در تولید نقش ندارد.

در کشورهای جهان سوم وضعیت زندگی کارگران بارها بدتر از وضعیت زندگی کارگران کشورهای پیشرفته است. ایران یکی از کشورهای محسوب میشود که با داشتن ثروت عظیم طبیعی، دستمزد کارگران هزینه زندگی آنان را تامین نمی کند. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۹۱ / ۰۲ / ۱۷ در این مورد مینویسد:

دستمزد کارگران در برابر هزینه هایشان ۲۳۳ هزار تومان کسری آورد. این روزنامه اضافه میکند با افزایش شکاف بین حداقل دستمزد و سبد معیشت خانوار کارگری در سالهای اخیر، مصوبه ۳۸۹ هزار تومانی امسال، فقط چهل درصد هزینه ها را پوشش میدهد. یعنی کارگران با ۲۳۳ هزار تومان کسری مواجه اند. و این مسئله کارگران را مجبور میکند برای دست یابی به پنجاه درصد اضافه در آمد. کار دوم انجام دهند. با اینکه در سالهای گذشته حداقل دستمزد کارگران از نه تا بیست درصد افزایش یافته است.

خانوار کارگری نتوانسته است تناسب چندان بین هزینه ها و در آمد ماهانه خود ایجاد کند. با افزایش قیمت ها وضعیت کارگران بدتر شده است. بنابه نوشته این روزنامه اگر در نیمه اول دهه هشتاد خانوار کارگری میتوانست از طریق دریافت حداقل دستمزد ماهانه تا پنجاه درصد از هزینه های خود را تامین کند. این نسبت رفته رفته در بعد از سال هشتاد و شش و بویژه با آغاز دهه نود برعکس شده است. و کارشناسان بازار کار معتقدند دستمزدهای مصوب شورای عالی کار در هر سال چیزی حدود چهل درصد از نیازهای ماهانه یک خانوار کارگری را تامین میکند و در این بخش شصت درصد کسری وجود دارد.

برای تعیین حداقل دستمزد سال نود و یک کارگران پیشنهاداتی به مراتب بالاتر از ۳۸۹ هزار تومان مصوبه شورای عالی کار مطرح کرده اند. و این ارقام میتوانست پانصد هزار تومان و حتی تا یک میلیون را بعنوان حداقل دستمزد باشد. اما هرگز به آن نرسیدند. واقعیت چیست؟ هم اکنون هزینه مربوط به اجاره و یا خرید مسکن از جمله مهم ترین اقلام در سبد معیشت خانوار کارگری تلقی میشود که بیست و پنج تا چهل درصد از کل هزینه های کارگران را در ماه تشکیل میدهد. یکی از اعضای هیئت مدیره کانون عالی شورای اسلامی کار میگوید. حداقل دستمزد فقط میتواند چهل درصد نیاز کارگران را تامین

آسیب های محیط زیست و منابع طبیعی کشور

همین آمار حاکی از آن است که وسعت تخریب محیط زیست کشور به سرعت سیر صعودی را طی می کند و اگر چاره ای برای آن اندیشه نشود فاجعه بزرگی برای محیط زیست کشور در راه است. این در حالی است که مسئولین مملکتی به جای چاره اندیشی برای این حیاتی، یا انکار می کنند و یا ریشه مشکلات محیط زیست را به دوران قبل از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و خشکسالی های سالهای اخیر حواله می دهند. طبق بررسی های انجام شده توسط کارشناسان بی طرف، آسیب هایی که به محیط زیست و منابع طبیعی کشور توسط عوامل انسانی در دوران جمهوری اسلامی وارد آمده است، هرگز قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. خشک شدن ۶۰ درصد آب دریاچه ارومیه، خشک شدن تالاب گاوخونی، رود خانه های زاینده رود و سپید رود، خشک شدن بسیاری از قنات ها و چشمه ها و منابع دیگر آبی، گسترش بیابان ها و نابودی بخش بزرگی از جنگل ها که در سالهای اخیر رخ داده است نمونه کوچکی است برای اثبات این ادعا. که بخش بزرگی از آن محصول سودجویی های افراد و ابستگان حاکمیت است که با بستن سدها، زدن چاهای عمیق، بریدن درختان و تخریب مراتع کشاورزی و تخریب جنگل ها انجام گرفته است.

با نگاهی به برخی از پدیده های منفی و مخربی که محیط زیست کشور را تهدید می کند، پی به اهمیت بیشتر به این معضل اجتماعی خواهیم برد.

در مرداد سال ۱۳۹۰ بر آورد گردید که شصت درصد از مساحت دریاچه ارومیه شامل سه هزار کیلو متر مربع خشک و تبدیل به شورزار شده است. غلظت نمک در این دریاچه از ۳۶۰ گرم در هر لیتر گذشته و اکسیژن محلول در آب به شدت کاهش یافته است. طوری که زندگی تنها موجود زنده این دریاچه (آرتیما) با خطر جدی روبرو است. ۲۰ میلیارد متر مکعب از آب دریاچه از بین رفته است. تقریباً تمامی ۱۰۲ جزیره موجود در این دریاچه بهم پیوسته اند. با خشک شدن دریاچه ارومیه زندگی بیش از شش میلیون نفر در منطقه در خطر قرار گرفته است. توفان نمک ناشی از خشک شدن دریاچه قسمت اعظمی از کشور را پوشش می دهد و زندگی را در این مناطق غیر ممکن می کند.

بستن سدهای متعدد و حفر چاههای عمیق و امکان ندادن به رسیدن آب رودخانه هایی که به دریاچه سرریز می شود از عوامل مهمی است که باعث کم شدن ۶۰ درصد آب دریاچه ارومیه شده است.

تالاب گاوخونی با وسعتی معادل ۴۳۰۰۰ هکتار در فاصله ۱۷۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان قرار دارد. به علت خشکی و کمبود آب، دهها کیلومتر اطراف تالاب خالی از سکنه شده است. این تالاب نقش مهم و موثری برای جلوگیری در مهار بیابان زایی و مانع شدن از شن های روان به نواحی شرق استان اصفهان می شود. بهسازی کیفیت آب و خاک و جلوگیری از فرسودگی و

منابع طبیعی و محیط زیست کشور به سرعت در حال تخریب است. در این ارتباط، هراز گاهی رسانه های گروهی صدای اعتراض کارشناسان و فعالان محیط زیست را انعکاس میدهند. مسئولین کشور با بی توجهی کامل به این امر مهم و حیاتی، چشم بر واقعیت ها می بندند. و تنها با اوج گیری اعتراضات گسترده مردم با وعده های پوچ و شعار گونه و غیر قابل اجرا مثل رساندن آب روخانه ارس و دریای مازندران به دریاچه ارومیه و یا کانال کشی از دریاچه مازندران به کویر، کاری صورت نمی دهند. وعده و وعیدهای عوامفریبانه دولت و دیگر مقامات مسئول، با رد طرح دو فوریتی ای که از طرف عده ای از نمایندگان آذربایجانی مجلس شورای اسلامی (برای جلوگیری از خشک شدن دریاچه ارومیه) به مجلس ارائه شده بود، برملا شد. این امر ناگهان خشم مردم ایران بخصوص آذربایجانی ها را برانگیخت. اعتراضات گسترده ای از سوی فعالان مدنی و طرفداران محیط زیست سازماندهی شد. مردم علیرغم شرایط شدید امنیتی با شعار دریاچه ارومیه را نجات دهید به خیابان ها آمدند. البته طبق روال معمول در جمهوری اسلامی نه تنها گوش شنوایی برای شنیدن اعتراضات آرام مردم وجود نداشت. بلکه نیروهای انتظامی و امنیتی با سازماندهی قبلی با یورش به زنان و مردان معترض، آنها را مورد ضرب و شتم و وحشیانه قرار دادند و دهها نفر را دستگیر و راهی بازداشتگاهها کردند. بازداشت شدگان را با اتهامات واهی مثل تشویش اذهان عمومی، توهین به مقدسات، جاسوسی برای اجانب و اختلال در امنیت ملی و ... زیر فشار جسمی و روانی قرار دادند و به جرایم سنگین و زندانهای طولانی مدت محکوم کردند. در یک سال گذشته در همین ارتباط و در شهرهای مختلف آذربایجان بخصوص در تبریز و ارومیه دهها تن از فعالان سیاسی - مدنی و حامیان محیط زیست بازداشت و زندانی شده اند. در میان بازداشت شدگان افرادی مشاهده می شود که در هیچ تجمع اعتراضی شرکت نداشته اند و صرفاً بدلائیل تفکر سیاسی با بهانه قرار دادن این موضوع، شبانه به خانه های آنها ریخته و آنها را با خود برده اند.

در این میان رژیم کوشیده است در اذهان عمومی اعتراضات مردم را رنگ و بوی سیاسی بدهد. تا ثابت کند مشکلی بنام مشکل محیط زیست وجود ندارد و یا در حدی نیست که از طرف معترضین گفته می شود. اما آمار و ارقام خیره کننده ای از حوادث و خسارات وارده در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست کشور وجود دارد که از طرف کارشناسان داخلی و بین المللی ارائه شده است که ادعای رژیم را رد می کند.

بر اساس همین گزارش ها شاخص عملکرد محیط زیست در کشور ما بویژه در سالهای اخیر سیر منفی و نگران کننده ای داشته است. این بررسی ها نشان میدهد که: در حالیکه ایران در سال ۱۳۸۷ رتبه ۶۷ جهان در ارتباط با حفظ محیط زیست را داشته است. در سال ۱۳۸۹ (یک سال بعد) رتبه ۷۸ را به خود اختصاص داده است. و یک سال بعد در سال ۱۳۹۰ در مقام ۱۱۴ قرار گرفته است.

آسیب های محیط زیست و...

وارد کرده است. بطوری که تنها در شهرستان گناباد تعداد دام سبک در طول ۱۲ سال به میزان ۴۵ درصد کاهش یافته است. در این منطقه ۹۵ درصد از چشمه ها و ۹۰ درصد از قنات ها از بین رفته است. چاه های آب اشامیدنی و بهداشتی روستاهای شهرستان گناباد وضع نا مناسبی دارد. عمق چاه ها از ۱۲۰ متر به ۳۰۰ متر افزایش یافته است. کار بجایی رسیده است که مردم منطقه که زمانی تاملی کننده گوشت گوسفند شهرستان های مشهد، زاهدان، یزد و اصفهان می فرستادند. امروزه از گوشت های وارداتی استفاده می کنند.

دستگاه های دولتی خسارت وارد شده به بخش کشاورزی شهرستان گناباد دو هزار و ششصد و ده میلیارد ریال برآورد نموده اند. حیات وحش و گونه های زیستی نادر گیاهی و جانوری منطقه نیز به دلیل کاهش شدید منابع آبی و غذایی، در معرض خطر و نابودی قرار دارند. مناطق حفاظت شده «هنگام» و «هلالی» در سال های اخیر خسارات جدی دیده اند.

چشمه مشهور و پر آب «برم» در شهر لردکان استان چهار محال و بختیاری که دارای که متوسط ۴۰۰ لیتر در ثانیه آب میداد. چند مزرعه پرورش ماهی و بیش از دوهزار هکتار از زمین های کشاورزی و شالیزارها را پوشش میداد. کور شده است. بررسی ها نشان داده است که عوامل انسانی در بروز این اتفاق نقش اساسی داشته است.

ریزش و فروریختگی گسترده در زیر چشمه و محدوده برکه در داخل زمین در اثر ساخت مصلی لردکان صورت گرفته است و سنگ چینی هایی که با صخره سنگهای بزرگ و به بهانه محدود کردن برکه و محوطه سازی چشمه انجام گرفت و خاکبرداریها و بر داشت شن و ماسه در حجم بالا از بستر رودخانه فصلی نزدیک به چشمه که باعث نفوذ آبهای گل آلود به سفره های زیر زمینی چشمه شده اند از عوامل بروز مشکلات برای چشمه محسوب می شوند.

گسترش مساحت بیابانهای کشور بر اثر نا بودی درختان و عوامل بازدارنده از پیشرفت بیابان ها به دلیل کمبود اعتبار لازم

برای اجرای پروژه های منابع طبیعی به ویژه تثبیت شن و بیابان زایی صورت گرفته است. گسترش بیابانها ضمن اینکه زندگی افراد و ساکنان منطقه را بطور جدی به خطر انداخته است باعث رشد ریزگردها و توفانهای شن و آلودگی اغلب شهرهای کشور شده است.

از زمان تصویب و پیوستن ایران به پیمان مقابله با بیابان زایی (۱۳۷۵)، ۱۶ سال می گذرد؛ حاصل این مدت، تدوین برنامه ملی بیابان زایی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی است. در تمام این مدت به غیر از تشکیل چند جلسه در وزارت جهاد سازندگی کاری انجام نگرفته است.

و ...

جایجایی خاک و کنترل سیلاب و حفظ تنوع زیستی از جمله اهمیت این تالاب است.

برخی از مهمترین عوامل تهدید کننده و تحدید کننده این تالاب؛ نوسانات ورودی آب به تالاب و عدم تخصیص حقایق طبیعی آن (ناشی از مدیریت نادرست منابع آبی در بالادست)، ورود زه آب اراضی کشاورزی و پسابهای صنعتی و شهری به رودخانه زاینده رود و تالاب گاوخونی، تخریب پوشش گیاهی تالاب و اطراف آن در اثر پیشروی کویر و چرای بی رویه دام در منطقه، قطع یکسره بیشه زارها، تاغ زارها و درختچه های اطراف تالاب، افزایش رسوبات سطح بستر تالاب و صید و شکار بی رویه ماهی و پرندگان می باشند.

متأسفانه گاوخونی تنها تالاب آسیب دیده نیست و تعداد زیادی از تالاب های ایران خشکیده اند و یا در حال خشکیدن و نابودی هستند.

سپید رود گسترده ترین حوزه آبریز شمال کشور است. گفته می شود مطابق ارزیابی انجام شده از ۱۶۰ رودخانه مهم کشور میزان آلودگی ۷۰ رودخانه بسیار بالاست. رودخانه سپید رود یکی از آنهاست. رودخانه سپید رود از آلوده ترین رودخانه های ایران در سواحل دریای مازندران به شمار می آید که به تنهایی بیش از ۵ درصد بار آلودگی تخلیه شده از سموم کشاورزی را در ناحیه شمال کشور به خود تخصیص داده است. طبق اظهار نظر کارشناسان سپیدرود دچار تغییرات زیادی شده است به طوری که از یک اکوسیستم فعال به یک اکوسیستم غیرفعال تبدیل شده است.

این امر افزون بر خطر نابودی کامل رودخانه و گونه های متنوع آبزیان موجود در آن، اقتصاد و معیشت هزاران انسانی که در حاشیه این رودخانه زندگی می کنند را نیز به خطر انداخته است. همچنین فلزات سنگینی همچون جیوه، کروم و سرب، از جمله خطرناکترین آلوده کننده ها به شمار می روند که سال ها در محیط باقی می مانند و زندگی جانداران را به خطر می اندازند. تجمع مواد آلاینده به ویژه عناصر سنگین در بدن آبزیان و مصرف آن ها توسط انسان، خطرات بسیار جدی به همراه دارد و باعث بروز بیماری های خطرناکی برای انسان ها می شود.

با این که گزارش های کاملی از وضعیت بحرانی سپیدرود وجود دارد اما هیچ گونه اقدامی برای نجات آن به عمل نمی آید. شایان توجه است که سپیدرود از خارج استان گیلان سرچشمه می گیرد و آلودگی و تغییرات آن به هشت استان دیگر نیز ارتباط دارد. سایر رودخانه های کشور و از جمله؛ رودخانه های جاری در مازندران، رود کارون و زاینده رود نیز دچار مشکلات شدیدی هستند.

آب های زیر زمینی مانند قنات ها و چشمه ها: بسیاری از چشمه ها و قنات های فعال کشور طی سالهای اخیر کم آب و یا بطور کلی خشک شده اند. این مسئله زیان جدی به باغات و دامداری وارد کرده است و با خشک شدن درختان و مراتع و الف زارها به محیط زیست لطمه

از «اوروکمونیسیم» تا اپورتونیسیم امروز

نویسنده: رائول مارتینس توریرو

برگردان: ر.ح. بازاریار

تجدید سازمان تنوریک و ایدنولوژیک جنبش بین المللی کمونیستی بر بنیانهای مستحکم مارکسیستی - لنینیستی، نیازمند بررسی و مطالعه عمیق ساختمان سوسیالیسم در طول قرن بیستم و بررسی علمی دلایل پیروزی ضد انقلاب سرمایه داری در اتحاد شوروی سوسیالیستی، و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی است.

احیاء سرمایه داری دلایل خارجی و داخلی خود را دارد. اما به هنگام بررسی این دلایل معمولاً حملات قدرتهای امپریالیستی در عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی، ایدنولوژیک و روانشناسی در مرکز بررسیها قرار می گیرد. فاکتورهای خارجی تعیین کننده بودند، و تایید گردید، که تقابل میان کشورهای امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی بازتاب واقعی مبارزات طبقاتی در مقیاس بین المللی بود. اما ضروریست که هر چه عمیق تر چنین جریاناتی همچون اوروکمونیسیم، که با نفوذ و فعالیت در درون جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و اغلب در همسویی با سیاستهای اپورتونیستی احزاب کمونیستی و کارگری حاکم، موجب تضعیف توان نیرومند سوسیالیسم شد، بررسی گردد.

مراکز ایدنولوژیک امپریالیستی فعالانه در تقابل با آن گرایش که «اورتدوکس» یا «طرفدار شوروی» نامیده می شد، مواضع اوروکمونیسیم را حمایت و تبلیغ می کرد. اوروکمونیسیم، که نمایندگان اصلی آن احزاب کمونیست ایتالیا، فرانسه و اسپانیا بودند، به بیانی، شرایط خود را مبدون دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی هستند. مبنای وحدت این احزاب تحت این نام دفاع از نقطه نظرات ذیل بود:

- اپوزیسیون جنبش جهانی کمونیستی برای دفاع از تز به اصطلاح «مراکز متعدد» در مقابل موجودیت انترناسیونال کمونیستی و مرکز اطلاع رسانی احزاب کمونیستی و کارگری.

- نفی دیکتاتوری پرولتاریا و دفاع از به اصطلاح «راههای مختلف رسیدن به سوسیالیسم» و مخصوصاً شیوه پارلمانی گذار به سوسیالیسم در همکاری با سوسیال دمکراتها و احزاب مسیحی، قبول سیستم چند حزبی و چارچوب دمکراسی بورژوازی.

- تعویض انترناسیونالیسم پرولتری، که آن را با دفاع از اتحاد شوروی سوسیالیستی و خط مشی حزب کمونیست شوروی یکی می دانستند، با «همبستگی انترناسیونالیستی» یا «انترناسیونالیسم نوین».

- انتقاد آشکار و همیشگی از اتحاد شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تحت عنوان حقوق بشر و آزادیهای فردی با درک بورژوازی آن.

- تجدید نظر طلبی و تخریب «حزب طراز نوین» لنینی، که با نفی آن در این یا آن سطح، وظایف انقلابی در حزب کمونیستی و پرنسیپهای انقلابی آن در رابطه با سازمان و عملکرد آن نفی می گردد.

- پذیرش چارچوب آنوقت جامعه اقتصادی اروپا، همراه با خواست حفظ حقوق اجتماعی زحمتکشان در چارچوب آن و شرکت زحمتکشان در ساختمان آن.

اوروکمونیسیم بر احزاب کشورهای مختلف جهان، از جمله احزاب حاکم، تاثیر نهاد. این جریان همچون دیگر جریانات اپورتونیستی در طول تاریخ دارای سمبلیک بودن روشن بین المللی بود. هر چند که شعار اصلی آن در نظر گرفتن شرایط و ویژگیهای ملی بود. دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا در این رابطه می گوید: «ما جزء کسانی نیستیم که این اصطلاح را اختراع کرده اند. اما خود این فاکت که تا این حد معروف شده، نشان می دهد که تا چه اندازه کشورهای اروپای غربی تلاش دارند که بازسازی جامعه در چارچوب سوسیالیسم نوع نوین شکل گیرد». و دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا سانتیاگو کاریلو اضافه می کند: «... اوروکمونیسیم وجود ندارد. چونکه برخی احزاب کمونیست غیراروپایی که این مواضع را دارند، مثلاً حزب کمونیست ژاپن را نمی توان با این بر چسب مشخص کرد.

صرفنظر از عدم قاطعیت و مغلطه کاری که ویژگی زندگی سانتیاگو کاریلو بود، او پس از چند ماه که وجود «اوروکمونیسیم» را نفی کرد، کتابی تحت عنوان «اوروکمونیسیم و دولت» انتشار داد. و البته در یک مورد حق داشت؛ این پدیده حقیقتاً تنها به اروپای غربی محدود نمی شود.

زمینه «اوروکمونیسیم» و کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی

زمینه این جریان رویزیونیستی مدتها قبل از اینکه اوروکمونیسیم از طرف کاریلو، برلینگونر و مارش به جامعه ارائه گردد، شکل گرفته بود. پس از جنگ جهانی دوم، مرحله سختی در مقابل جنبش انقلابی جهانی شکل گرفت. گذشته از ویرانی اتحاد جماهیر شوروی پس از هجوم آلمان نازی و شرایط بعدی دوران بازسازی آن، باید به وضعیت سیاسی حزب کمونیست شوروی و از دست دادن صدها هزار کادر کمونیست در جریان جنگ با فاشیسم، اشاره کرد، که به شکل تعیین کننده ای بر حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب کمونیست اروپایی تاثیر گذاشت.

ایالات متحده آمریکا در راس قدرتهای امپریالیستی، که جنگ را در سرزمین خود تجربه نکرده بود و به نیرومندترین قدرت امپریالیستی جهان تبدیل گردیده بود، بی درنگ «جنگ سرد»، مسابقه تسلیحاتی و تدابیری دیگر در جهت تخریب کشورهای سوسیالیستی را به راه انداخت.

ضد انقلاب داخلی که هیچوقت از سرنگونی حاکمیت کارگران امتناع نکرده بود، با کمک امپریالیسم دست به اقدامات ضدانقلابی در جمهوری فدرال یوگسلاوی (۱۹۴۸-۱۹۴۷)، جمهوری دمکراتیک آلمان (۱۹۵۳)، لهستان و مجارستان (پاییز ۱۹۵۶) زدند.

مبارزه طبقاتی در شرایط نوین ادامه و تعمیق می یافت. سیستم امپریالیستی از خود علانم نیرومندی و استعداد

از «اوروکمونیس» تا....

رفرم و بازسازی را نشان می داد. با ایجاد سازمانهای بین المللی تلاش داشت تضادهای اجتماعی را تخفیف داده و فشار بر کشورهای سوسیالیستی را افزایش دهد (ناتو، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و ...).

در صفوف حزب کمونیست شوروی مباحثات مهم و جدی در مورد ساختمان سوسیالیسم در شرایط پس از جنگ آغاز شده بود. بخصوص در رابطه با قوانین اقتصادی سوسیالیسم و ویژگیهای آن. رهبران حزب کمونیست فعالانه در این مباحث شرکت کردند و استالین آشکارا مواضع اپورتونیستی در رابطه با طرح کتب درسی اقتصاد سیاسی را رد کرد. پس از مرگ او در ۵ مارس ۱۹۵۳، مبارزه درون حزب کمونیست ادامه و تشدید یافت. هم در جریان مقدمات برگزاری کنگره بیستم و هم در جریان خود کنگره در فوریه ۱۹۵۶.

بلوک اپورتونیستی به رهبری ن. س. خروشچف راه تزی «اشکال گوناگون گذار به سوسیالیسم» را هموار ساخت. تجدید نظر در تئوری مارکسیستی ویژگی طبقاتی دولت و تئوری لنینی انقلاب صورت گرفت. در گزارش خروشچف به کنگره از جمله آمده است: «مسئله در مورد احتمال استفاده از مبارزه پارلمانی برای گذار به سوسیالیسم». «طبقه کارگر، دهقانان زحمتکشان و روشنفکران و تمامی نیروهای میهن پرست و ... را دور خود متحد ساخته است... امکان شکست دادن ارتجاع، نیروهای ضد مردمی و کسب اکثریت در پارلمان و تبدیل آن از ارگان دمکراسی بورژوازی به سلاح واقعی اراده خلق، ممکن است. در چنین حالتی، این نهاد سنتی برای بسیاری از کشورهای پیشرفته می تواند به ارگان دمکراسی واقعی، دمکراسی برای زحمتکشان تبدیل گردد».

در سخنرانی م. آ. سولسف در ۱۶ فوریه گفته می شود: «شرایط نوینی در خود کشورهای سرمایه داری بوجود آمده است ... طبقه کارگر و حزب سیاسی آن امکان لازم و کافی برای متحد ساختن اکثریت مطلق ملت بر اساس پلاتفرم واحد دمکراتیک را دارد - دهقانان، خرده بورژوازی، روشنفکران و حتی سرمایه داران میهن پرست. و این، بدون شک شرایط پیروزی طبقه کارگر را آسانتر می سازد».

گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم در هیچ نقطه ای از جهان روی نداده بود. اما ذهنی بودن این تز و تاثیر آن بر استراتژی برخی از احزاب کمونیست فوری بود.

آ. ی. میگویان در سخنرانی خود در کنگره بیستم بروشنی بیان کرد، که تز گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم بصورتی خطرناک به مواضع سوسیال دمکراتها نزدیک می شود. او در ادامه چنین توضیح می دهد: «از جمله فاکتورهای مشخص اینکه - زمانیکه برخی احزاب سوسیالیستی اکثریت را در پارلمان بدست آوردند و در برخی کشورها حتی دولت‌های سوسیالیستی وجود داشتند و دارند، تغییر قابل توجه ای صورت نگرفت. کار فقط به برخی امتیازات جزئی به نفع طبقه کارگر پایان یافت و هیچگونه سوسیالیسمی ساخته نشد. در اینجا ضروریست که رهبری جامعه بدست کارگران سپرده

شود، تا طبقه کارگر نه فقط از لحاظ سازمانی، بلکه به لحاظ سیاسی و تئوریک برای مبارزه در راه سوسیالیسم آماده شود. نه اینکه او مقهور بورژوازی گردد. بلکه با کسب اکثریت، حاکمیت را در دست خود متمرکز کند و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را بر اندازد».

بدین ترتیب، مارکسیسم - لنینیسم و تفاوت آن با سوسیال - دمکراسی در مسئله ساده اراده: «سوسیالیستها نمی خواهند از رفرم تا رفرم بسوی سوسیالیسم گام بردارند. اما ما حقیقتاً می خواهیم»، خلاصه شد. مارکسیسم پودر گردید، تئوری لنینی دولت دفن شد و بی بند و بارترین رفرمیسم و جعل مارکسیسم جای آن را گرفت.

این مواضع همراه بود با ارائه طرحهایی در عرصه اقتصادی، ساختار دولتی و سیاست خارجی. چرخش اپورتونیستی با «گزارش سرّی خروشچف» که بطور ناگهانی و با نقض تمامی پرنسیپهای کار جمعی، به اطلاع کنگره رسید، تکمیل شد.

پس از کنگره بیستم، بمحض اینکه «گزارش سرّی» منتشر گردید، فوراً پروسه معروف به «استالین زدایی» آغاز گردید، که به راحتی و بدون مخالفت مورد پذیرش برخی احزاب اروپای غربی (به سرکردگی حزب کمونیست ایتالیا) قرار گرفت. در تاریخ ۱۴ - ۸ دسامبر ۱۹۵۶، پس از گذشت ده ماه از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، در رم هشتمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا تشکیل گردید، که در آن پیشنهاد «پالمیرو تولیاتی» در مورد «راه ایتالیا به طرف سوسیالیسم» را تصویب کرد. قبل از این در کنگره حزب کمونیست بریتانیا در ۱۹۵۱ «راه بریتانیا به طرف سوسیالیسم» تصویب گردیده بود. در اینجا «راه ملی» در مقابل تئوری مارکسیست - لنینیستی انقلاب قرار می گیرد. در اینجا بویژه بر تعمیق آزادی برای دستیابی به دمکراسی اقتصادی و اجتماعی تاکید می شود. بدین ترتیب نظریه «دمکراسی پیشتان» یا «دمکراسی ضد انحصاری» شکل می گیرد، که گویا در نقطه اوج خود امکان گذار به سوسیالیسم را فراهم می کند. تولیاتی تا آن جا پیش رفت که در اثر معروف خود، به نام «خاطرات یالتینسک» ادعا می کند: «در کل ما معتقدیم که باید در طراحی مواضع خود، کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی را مبنای قرار دهیم. و این مواضع امروز باید تعمیق و گسترش داده شود. مثلاً، بررسی عمیق در مورد مسئله احتمال گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم، ما را به دقیق ساختن این مسائل - درک ما از دمکراسی در دولت بورژوازی چیست؛ چگونه ما می توانیم ابعاد آزادی و نهادهای دمکراتیک را گسترش دهیم، و بهترین فرم شرکت کارگران و توده های زحمتکش در حیات اقتصادی و سیاسی کدام است - راهنمایی می کند. بدین ترتیب، مسئله در مورد احتمال کسب قدرت از طرف توده های زحمتکش در داخل نظام بروز می کند، بدون اینکه نظام بورژوازی ماهیت خود را تغییر دهد، و همینجا نیز - مسئله در مورد، آیا امکان مبارزه برای بازسازی مترقیانه این ماهیت از درون امکان دارد؟ - مطرح می شود».

از «اوروکمونیسیم» تا....

اعلام می کند: «کنفرانس ما - کنفرانس ارگان کمونیستی بین المللی نیست، که وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد، در هیچ شکلی از اشکال، نه در عرصه بین المللی و نه در عرصه اروپا...».

نمایندگان حزب کمونیست فرانسه بر به اصطلاح راههای دمکراتیک و ویژگیهای ملی اصرار داشتند: «... حزب ما در کنفرانس برلین ایده مرکزی کنگره بیست و دوم خود و ویژگیهای گذار دمکراتیک به سوسیالیسم را، که ویژگیهای ملی فرانسه را در نظر دارد، ارائه داد».

حزب کمونیست اسپانیا، پس از پلنوم کمیته مرکزی که در ۲۹ / ۲۸ و نیه ۱۹۷۶ در رم تشکیل گردید، در یک کنفرانس مطبوعاتی مواضع روزیونیستی خود را چنین بیان کرد: «شرایطی که احزاب کمونیست مختلف در آن وجود دارند، خطوط مشخصه آنها، خود تاریخ هر کدام از آنها و خلقهای آنها، به اندازه کافی متفاوت است. این گوناگونی شرایط بطور منطقی زاینده نظریه های متفاوت است. قبل از هر چیز بر اساس مجموعه موضوع ها، در رابطه با نظریه سوسیالیسم، در رابطه با مسائل گوناگون دوران معاصر، در رابطه با مسائل ایدئولوژیک، در رابطه با دمکراسی سیاسی و ... مجموعا در کنفرانس برلین روشن شد که در اروپا گروهی از احزاب کمونیست وجود دارند، که خط مشی سیاسی آنها، تحلیل ها، نظریه سوسیالیسم آنها، تا مقیاس قابل توجه ای یکی است. ... این احزاب، خواهان گذار دمکراتیک به سوسیالیسم، سوسیالیسم در شرایط دمکراتیک، رعایت کامل حقوق فرد، تعدد احزاب سیاسی، احترام به تغییر حاکمیت بر اساس اراده آزاد مردم در انتخابات و سوسیالیسمی که دولت آن فاقد ایدئولوژی رسمی باشد، هستند».

«اوروکمونیسیم» خود را کاملا همچون یک جریان روزیونیستی راست نشان داد و لیبرالیسم را در ابعاد مختلف سیاسی: دمکراسی، آزادی، مذهب و ... کاملا پذیرفت.

آنها با دفاع از آزادیهای سیاسی و دمکراسی بورژوازی، به خصوص تعدد احزاب و رأی انتخاباتی، مبارزات طبقاتی را تحت شعاع قرار دادند و نقش اهرم تسلط طبقاتی دولت را نفی کردند. آنها عملا و فعالانه تبلیغات علیه کشورهای سوسیالیستی را گسترش دادند و با تمامی امکانات تلاش کردند تا مانع هماهنگی و پیشرفت جنبش کمونیستی بین المللی گردند. و به نام ویژگیهای ملی و سوسیالیسم دمکراتیک در خدمت استراتژی ضد کمونیستی قدرتهای امپریالیستی قرار گرفتند.

آنها در مبارزه علیه مارکسیسم - لنینیسم بر تز کائوتسکی که گویا «اپوزیسیون دو جریان سوسیالیستی (یعنی بلشویکها و غیربلشویکها) همان اپوزیسیون دو متد رادیکال مختلف است: دمکراتیک و دیکتاتوری» صحنه گذاشتند. آنها همچنین تلاش کردند که دوباره مارکس را به لیبرال دو جینی تبدیل کنند. آنها دائما این حکم لنین را که مارکسیست فقط آن کسی هست که مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا را قبول دارد، و اینکه مسئله دیکتاتوری پرولتاریا - مسئله مناسبات دولت

همزمان با اتخاذ این مواضع از طرف احزاب مختلف، هجوم و تبلیغات علیه کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی تشدید گردید. اولین شکاف بزرگ و آشکار در جنبش کمونیستی اروپا پس از دخالت کشورهای عضو پیمان ورشو در چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ (در تطابق کامل با انترناسیونالیسم پرولتری) روی داد. حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست رومانی، علنا این دخالت را محکوم کردند.

از این به بعد ضدیت با شوروی در خط مشی احزابی که «اوروکمونیسیم» را قبول کرده اند، وارد می شود و به یکی از خطوط مشخصه آنها تبدیل می گردد. هر نوع عنوانی خوب بود، فقط به شرطی که با اتحاد شوروی در تضاد باشد، فقط به به شرطی که خود را در مقابل افکار عمومی، متفاوت با دژ بین المللی طبقه کارگر، نشان دهد. هر چند که انتقادات ضد شوروی آشکارا با تبلیغات امپریالیستی همسو و بطور عینی در خدمت تضعیف جبهه سوسیالیستی بود. «راه ایتالیا» با نظریه «سازش تاریخی» که از طرف انریکو برلینگوئر طراحی شده بود، وارد مرحله نوینی شد. گذار به سوسیالیسم بر پایه اتحاد وسیع احزاب گوناگون صورت می گیرد، که عملا به معنای امتناع حزب کمونیست از نقش رهبری و پیشسازی خود است. و این چنین به اصطلاح «سوسیالیسم دمکراتیک» یا «سوسیالیسم در شرایط آزادی» شکل نهایی خود را در تضاد با دیکتاتوری پرولتاریا می یابد. احزاب اوروکمونیسیتی «آزادیهای رسمی بورژوازی را همچون موضع خود قبول می کنند و بر احتمال تعمیق دمکراسی بورژوازی تا رسیدن به سوسیالیسم اصرار دارند - با امتناع از انقلاب اجتماعی و حاکمیت طبقه کارگر.

کنفرانس برلین شرقی و روزیونیسم اوروکمونیسیم با این چشم انداز در ۱۹۷۵ حزب کمونیست ایتالیا و حزب کمونیست اسپانیا در یک بیانیه مشترک مدل خود برای گذار به سوسیالیسم در شرایط «صلح و آزادی» را اعلام کردند. این بیانیه در رابطه با کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری اروپا، که در برلین شرقی ۲۹ / ۳۰ ژوئن ۱۹۷۶ بر گذار گردید، تهیه شده بود، که نتایج آن بازتاب وسیع بین المللی یافت. احزاب کمونیست ایتالیا، فرانسه و اسپانیا که در ابعاد مشخصی بیانات برخی احزاب کمونیستی حاکم، از جمله یوگسلاوی را حمایت می کردند، بر مبنای پلاتفرم اوروکمونیسیم در یک جبهه واحد قرار داشتند. حزب کمونیست ایتالیا که آشکارا خواهان پراکندگی جنبش کمونیستی جهانی بود در رابطه با کنفرانس برلین می گوید: «در کنفرانس قاطعانه اصل خود مختاری، که امروز مناسبات همکاری مابین احزاب کمونیستی را تعیین می کند، تصویب شد. ... موفقیت سیاست صلح و همزیستی در اروپا، شرط حرکت دمکراتیک و آزاد خلق ایتالیا به طرف بازسازی عمیق نوع سوسیالیستی در کشور است». انریکو برلینگوئر

از «اوروکمونیسیم» تا....

۱۹۵۶ در جمهوری خلق مجارستان و بویژه بر دخالت انترناسیونالیستی کشورهای عضو پیمان ورشو در چکسلواکی، تکیه می کردند و تلاش داشتند، که اعتماد اعضای حزب و طبقه کارگر به سوسیالیسم را تضعیف کرده و اعتبار عظیم اتحاد شوروی سوسیالیستی را زیر سوال ببرند.

اپورتونیسیم رهبری اوروکمونیسیم اسپانیا حد و مرزی نمی شناخت. در سال ۱۹۷۰ آقای "سانتیاگو کاریلو" در مصاحبه با روزنامه فرانسوی «موند» اعلام کرد: «ما خواهان چنان سوسیالیسمی در اسپانیا هستیم که سنگ زیر بنای دولت آن کاتولیک باشد و حزب کمونیست رسماً در اقلیت قرار گیرد. ... سوسیالیسم اسپانیایی با داس و چکش در یک دست و صلیب در دست دیگر به پیش خواهد رفت».

همزمان با آغاز پلنوم کمیته مرکزی در رم (۱۹۷۶) حمله به نظریه لنینی حزب، نقش آن در جامعه، عملکرد آن، وظایف و پرنسیپهای تشکیلاتی آن، آغاز شد. در حزبی که هزاران کمونیست معتقد در آن پاکسازی شده بودند، بدون کنترل، درها برای هزاران نفر که فاقد هرگونه آگاهی انقلابی بودند، گشوده شد. در آستانه کنگره نهم حزب در مادرید (۱۹۷۸) تمامی شرایط برای جدایی رسمی از مارکسیسم - لنینیسم و تصویب سیاست رویزیونیستی در حزب کمونیست اسپانیا فراهم شد.

حزب جنگهای انقلابی - ملی، جنگهای پارتیزانی، حزب مبارزاتی که در نبرد علیه فاشیسم در سراسر اروپا حضور داشتند و قهرمانانه همراه خلقهای شوروی در نبردهای لنینگراد و استالینگراد شرکت داشتند، دیگر به طور نهایی از بین رفت. حزب کمونیست اسپانیا به یک سازمان غیر قابل شناخت تبدیل شد. این حزب تا امروز نیز علیه ضرورت تاریخی انقلاب سوسیالیستی و حاکمیت انقلابی طبقه کارگر - دیکتاتوری پرولتاریا - در دوران گذار و دوره ساختمان سوسیالیسم، ایستاده است. این حزب همچنین با پرنسیپهای حزب لنینی، بویژه سانتراالیسم دمکراتیک مخالف است. در حزب کمونیست اسپانیا هژمونی در اختیار مشی رویونیستی است که مورد حمایت رهبری حزب کمونیست اسپانیا است. در جریان این پروسه ها، دو جبهه اصلی شکل گرفت: آنهایی که در مقابل هجوم اوروکمونیسیم مقاومت کردند و پرچم مارکسیسم - لنینیسم را در اهتزاز نگه داشتند. آنها در ۱۹۸۴ در حزب کمونیست خلق اسپانیا متحد شدند. و جبهه دوم، همانهایی هستند که خط مشی رویونیستی را دنبال می کنند.

در صفحات ارگان حزب کمونیست اسپانیا در آوریل ۲۰۱۰ بیانیه ای زیر عنوان «گام سیاسی در جهت برگذاری کنفرانس سراسری حزب کمونیست اسپانیا» به چاپ رسیده بود و از طرف دبیرخانه جنبش سراسری حزب کمونیست اسپانیا تاکید می شود که: «ما در حزب کمونیست اسپانیا درک می کنیم، که طرح جمهوری نمی تواند در قالب اصطلاحاتی که فضای طیف سیاسی را در بر گیرد، طبقه بندی گردد. ما باید به کلمه «جمهوری»

پرولتری با دولت بورژوازی، و دمکراسی پرولتری با دمکراسی بورژوازی است، مورد حمله قرار می دادند.

جریان رویونیستی «اوروکمونیسیم» ادامه مبارزه ایدئولوژیک بورژوازی علیه ایده انقلابی بر بنیان قبول رسمی مارکسیسم است. آنها برنشتاین را به صفوف خود فراخواندند، که شعار «هدف نهایی - هیچی، جنبش - همه چیز» یا هم معنا با این «انقلاب سوسیالیستی - هیچی، رفرم - همه چیز» را بنویسد. بدین ترتیب آنها بخاطر اتحاد وسیع با سوسیال دمکراتها و مسیحیان در مقابل هر گونه تلاش انقلابی ایستادند. تا با شعار کسب اکثریت پارلمان، و گذار از رفرم به رفرم، یک زمانی به سوسیالیسم برسند.

«اورو کمونیسم» در اسپانیا و تخریب حزب کمونیست اسپانیا

پس از شکست در جنگ ملی - انقلابی علیه فاشیسم (۱۹۳۹ - ۱۹۳۶)، رهبری سیاسی حزب کمونیست اسپانیا نتوانست بررسی دقیقی از دلایل شکست و نقش حزب در مراحل پایانی جنگ ارائه دهد. هینت رهبری حزب به ریاست رفیق "خوزه دیاسوم" که به سختی بیمار بود، و بقیه که در کشورهای مختلف پراکنده بودند، نتوانستند آن استراتژی لازم را که امکان بدهد حزب مبارزات ضد فاشیستی خود را تا آغاز جنگ دوم جهانی ادامه دهد، طراحی کنند. حزب همچنین طرح از پیش آماده ای برای عقب نشینی سازمان یافته، که می توانست به ادامه مبارزه در شرایط مخفی کمک کند، نداشت. از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۵ کنگره حزب برگزار نگردید. که موجب تضعیف پرنسیپ لنینی رهبری جمعی گردید.

همگام با شکل گیری «راه ایتالیایی گذار به سوسیالیسم» حزب کمونیست اسپانیا خط مشی معروف «سیاست آشتی ملی» را پیش کشید و همزمان سیاست فاجعه بار مختل ساختن مبارزات پارتیزانی را در پیش گرفت. در پی این اوضاع، مبارزه شدید در رهبری حزب کمونیست آغاز گردید.

پس از انتخاب کاریلو به دبیر کلی حزب در کنگره ششم (پراگ دسامبر ۱۹۵۹ - ژانویه ۱۹۶۰) رهبری حزب «راه حل دمکراتیک» را برای به اصطلاح «اتحاد نیروی کار و فرهنگ» طراحی می کند و هرچه بیشتر به طرف خط مشی ضد شوروی و رویزیونیستی گام بر میدارد. آنها رهبران برجسته و کادرهای توانا و معتقد به مارکسیسم - لنینیسم را بر کنار می کنند. همزمان هزاران کمونیست صادق که قهرمانانه در داخل کشور مبارزه کرده بودند، تصفیه می شوند.

فراکسیون ضدکمونیستی همیشه بر مصوبات کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی تکیه می کرد. بویژه بر تزی که اشکال گوناگون گذار به سوسیالیسم را تائید می کرد. و همچنین انتقاد از استالین در «گزارش سری» خروشچف، که زمینه ای برای فاصله گرفتن از درسهای انقلاب اکتبر و گذار انقلابی به ساختمان سوسیالیسم. آنها همچنین بر روی حوادث ضد انقلابی اکتبر - نوامبر

از «اوروکمونیسیم» تا....

- اوروکمونیسیم یک جریان رویزیونیستی راست بود در تقابل با سوسیالیسم علمی و دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم. و در طول تاریخ مبارزات طبقاتی همچون سلاح نفوذی ایدئولوژی بورژوازی در صفوف طبقه کارگر و جنبش کمونیستی.

- اوروکمونیسیم همکار سیاستهای اپورتونیستی برخی از احزاب کمونیستی حاکم گردید که پس از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی مواضع اپورتونیستی اتخاذ کرده بودند. اوروکمونیسیم فعالیت‌های خود را بر نواقص بنا نهاد و بر این اساس مواضع اپورتونیستی را شکل بخشید. و همزمان به پرنسپهای انترناسیونالیستی پرولتاریا خیانت کرد. و با تبلیغات ضد شوروی خشن در تخریب اعتماد طبقه کارگر به سوسیالیسم نقش ایفا کرد.

- مواضع اپورتونیستی - هم در احزاب کمونیست حاکم، هم میان احزاب کمونیستی که در حاکمیت نبودند، با مقابله کافی از موضع مارکسیسم - لنینیسم مواجه نشدند. در تفاوت با اینکه در دوران لنین و استالین چه روی داد، در صفوف جنبش کمونیستی بین المللی مباحث ایدئولوژیک صورت نگرفت.

- واقعیتها هیچ یک از نظرات و پیش بینی های اوروکمونیسیم را تایید نکردند. اوروکمونیسیم طبقه کارگر کشورهای خود را به بن بست غیر قابل بازگشت کشاند، مواضع انقلابی آن را بشدت تضعیف کرد و به نابودی حزب مدل لنینی کشاند.

- گسترش مبارزات طبقاتی در عرصه بین المللی، مبارزات طبقه کارگر، دهقانان و مواضع ضدامپریالیستی در کشورهای مختلف، بخصوص کشورهای آمریکای لاتین، اشکال جدید اپورتونیسم را به میدان آورده است. یعنی به اصطلاح سوسیالیسم قرن بیست و یکم بر مبنای رد مقولات و پرنسپهای سوسیالیسم علمی.

نیروهای مارکسیستی - لنینیستی باید فعالانه در مبارزات ایدئولوژیکی که امروز در جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی جهان درگیر است، حضور یابند تا بتوانند نقش تعیین کننده ای را در بازسازی جنبش کمونیستی بین المللی ایفا کنند و پیروزی انقلاب سوسیالیستی پیش رو را تامین نمایند.

ویژگی ادامه کاری - که آن را بیشتر قابل دسترسی و مقبول سازد، بدهیم. جمهوری - یعنی رفرفرم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیک و ارزشهای نوین در شرایط واقعی». «ما هر نوع جمهوری را نمی خواهیم، بلکه جمهوری فدراتیو و دمکراتیک با ارزشهای جمهوریهای I و II، که با شرایط کنونی تطبیق گردد... قانون اساسی جمهوری آینده باید در بر گیرنده محتوای بیانیه حقوق بشر مصوبه سازمان ملل در ۱۹۴۸ باشد و گذشته از این باید در بر گیرنده سه معاهده ای که در ۱۸۶۶ از طرف اسپانیا امضاء گردید، باشد و محتوای آن را گسترش دهد. ... دمکراسی همچون توافق دائمی مابین انسانهای آزاد و برابر بخاطر ادامه زندگی با هم... بدین ترتیب باید گفت، که محتوای رویزیونیستی قدیمی در شرایط نوین، در اسپانیا و دیگر کشورهای «اوروکمونیسیم» قبول گردیده است. زبان نوین برای خط مشی کهنه - و هیچ اثری از مارکسیسم. در تزه های کنگره هیجدهم حزب کمونیست اسپانیا تاکید می شود: « در این کنگره یک بار دیگر دفاع از سوسیالیسم همچون رشد پیگیر و تطبیق کامل دمکراسی مورد تایید قرار گرفت. این در بر گیرنده ارزشهای آزادی فرد و تضمین آن، پرنسپهای دولت سکولار و پیوند آن با دمکراسی، تعدد احزاب، خودمختاری سندیکاها، آزادی مذهب و آیین و همچنین آزادی کامل فعالیت‌های فرهنگی و هنری».

این کاملاً همان چیزی است که حزب اوروکمونیسیم اسپانیای پس از پلنوم کمیته مرکزی در سال ۱۹۷۶ در رُم تصویب کرده بود.

به اصطلاح سوسیالیسم قرن بیست و یکم - پرچم تازه جمهوری خواهان امروز و اوروکمونیسیمهای دیروز است. این ادامه همان خط مشی است که وارد تاریخ شد - از برنشتاین تا اوروکمونیسیم در تقابل با سوسیالیسم علمی و در موضع بورژوازی لیبرال.

استقبال گرم احزاب اوروکمونیسیتی از پیشنهاد تشکیل انترناسیونال پنجم تعجب آور نیست. چون مشی رویزیونیستی آنها می تواند در همکاری با نیروهایی که بطور کامل از مبارزه طبقاتی امتناع کرده اند، با انواع سوسیال دمکراتها، تروتسکیستها و اپورتونیستهای معاصر گوناگون چه راست، چه چپ، به تصویب خط مشی مورد قبول آنها بیانجامد.

نهایتاً:

آیا میدانید در کشورمان چه می گذرد

کیفیری در گیر هستند و می توان با احتساب این افراد گت نزدیک به ۷۰ میلیون ایرانی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در پرونده های کیفیری در گیرند.

- میدانید تنها سه هزارم قاچاق در کشور کشف می شود؟ گزارش تحقیق و تفحص مجلس از ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مرتضوی آخرین سکاندار آن به شمار می رفت، نشان می دهد که شبکه های عمده قاچاق کالا در مسیر خود از یک نیروی خرده فروشی گسترده بهره

- میدانید ۱۶ میلیون ایرانی در دادگاه ها پرونده دارند؟

دهم خرداد ماه سال جاری روزنامه اعتماد از قول دکتر علی نجفی توانا استاد حقوق و جرم شناسی نوشت: در شرایط فعلی، ۸ میلیون پرونده کیفیری در دادگاه ها در حال رسیدگی است و حد اقل هر پرونده، دو طرف شاکی و متشاکی را دارد، یعنی ۱۶ میلیون نفر به صورت مستقیم در پرونده های کیفیری در گیرند. این افراد، حد اقل ۳ نفر خانواده دارند که آنها نیز در مسایل جنبی پرونده های

آیا میدانید در....

برداری می‌کنند در حالی که عناصر اصلی قاچاق در حاشیه نسبتاً امنی قرار دارند.

به گزارش خبرنگار مهر، هینت تحقیق و تفحص از عملکرد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در گزارش تقدیمی خود به مجلس با تاکید بر اینکه دولت به صورت جدی خطر قاچاق کالا به کشور و آثار مخرب آن را حس نکرده است، از دولت و ستاد مذکور خواست تا برای کاهش پدیده قاچاق برنامه راهبردی مدون، عملیاتی و کارا داشته باشد.

بخشهای مهم این گزارش به شرح ذیل است:

* مطالعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نشان می‌دهد که حجم قاچاق کالا ۱۹۰ تا ۲۴۰ هزار میلیارد ریال است، این در حالی است که ارقام کشفیات قاچاق مطابق آمار گمرک در سال ۸۹ تنها حدود ۶۳۰۰ میلیارد ریال معادل ۵۰۰ میلیون دلار از حدود ۳۴ هزار پرونده بوده است.

* آمار اخذ شده از سازمان فروش اموال تملیکی که ماحصل مبارزه با قاچاق به واسطه صدور رای قطعی و فروش کالای قاچاق است، بیانگر فروشی کمتر از ۵۰۰ میلیارد ریال معادل ۴۰ میلیون دلار از ۲۲ هزار پرونده در سال ۸۹ است، یعنی به طور میانگین ارزش هر پرونده کشف شده بیش از ۱۸۰ میلیون ریال بوده است در حالی که به طور متوسط هر پرونده محکوم شده تنها ۲۲ میلیون ریال ارزش داشته است.

* رقم حاصل از فروش قاچاق نشان می‌دهد که اثربخشی مبارزه با قاچاق کمتر از سه هزار بوده است که آن هم بیشتر معظوف به موارد خرد می‌شود.

- میدانید که در ۱۱ ماه سال گذشته، ایران ۱۱۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است؟

بانک مرکزی ایران گزارش داد که در آمد نفتی ایران در یازده ماه سال گذشته به رقم بی سابقه ۱۱۰ میلیارد دلار رسید. این در حالی است که در سال ۱۳۸۹ در همین مدت میزان در آمد نفتی ایران کمی بیشتر از ۷۵ میلیارد بوده است.

این حجم در آمد نفتی در یازده ماه اول سال قبل در تاریخ تولید نفت ایران بی سابقه بوده است. و با توجه به این که در آمد نفتی ماه پایانی سال گذشته هنوز محاسبه نشده، این رقم بهمرز صد و بیست میلیارد دلار خواهد رسید.

بنا بر همین گزارش، در آمدهای صادرات نفت خام از سال ۱۳۸۴ تا یازده ماه اول سال گذشته به اضافه در آمدهای حاصل از صادرات فرآورده های نفتی و گازی به مرز ۵۶۰ میلیارد دلار رسیده است.

- میدانید میزان نقدینگی کشور رشد ۲۷۰ درصدی داشته است؟

در کنار درآمدهای سرشار نفتی، نقدینگی نیز به سرعت افزایش پیدا کرده است و در یازده ماه اول سال گذشته به مرز ۳۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. در یازده ماه سال گذشته ۴۴ هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی موجود اضافه شده است.

طبق این گزارش زمانی که دولت احمدی نژاد به قدرت رسید، نقدینگی در سطح پایینی قرار داشت. بنا بر آمار

بانک مرکزی، در سال ۱۳۸۴ حجم نقدینگی حندد ۹۰ هزار میلیارد تومان بود که با رشد ۲۷۰ درصدی به مرز ۳۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

به عقیده کارشناسان اقتصادی، افزایش نرخ تورم و گرانی کالاها و التهاب اخیر بازار از نتایج رشد سزیم نقدینگی بوده است.

- میدانید روزانه ۱۲۳ میلیارد تومان چک در کشور برگشت می‌خورد؟

به گزارش ایسنا، بانک مرکزی در گزارشی دیگر از چک‌های برگشتی اشاره کرده است که روزانه به طور متوسط ۲۱۹۵۰ فقره چک برگشتی در کشور ثبت و ضبط شده که این آمار به صورت مبلغی حدوداً بیش از ۱۲۳ میلیارد تومان برای هر روز کاری بوده است. در ادامه این گزارش با اشاره به رشد تعداد چک‌های مبادله شده طی سال‌های اخیر آمده است: تعداد چک‌های مبادله شده از ۴۴،۷۱ میلیون برگ در سال ۷۸ با سیر صعودی به ۷۹،۵ میلیون برگ در سال ۸۶ افزایش و مجدداً به روند نزولی به ۵۱،۳۷ میلیون برگ در سال ۹۰ رسیده که حاکی از کاهش اعتبار چک طی سنوات مورد اشاره است. اگرچه این روند طی سال‌های ۸۸ تا ۹۰ با شیب بسیار کند روند صعودی به خود گرفته است. بر این اساس، تعداد چک‌های برگشتی در سال ۸۷ بیش از ۲،۶۳ میلیون برگ بوده که با شیب صعودی، این رقم در سال ۹۰ به ۶،۳۷ میلیون برگ رسیده که حاکی از ۱۴۲ درصد رشد در آمار چک‌های برگشتی به تعداد، طی دوره مورد بررسی است.

همچنین در بازه زمانی مورد بررسی، مبلغ چک‌های برگشتی نیز همسو با افزایش تعداد چک‌های برگشتی و نیز افزایش حجم چک‌های مبادله شده، افزایش قابل توجهی داشته و از مبلغ ۲،۰۹ هزار میلیارد تومان در سال ۷۸ به ۳۵،۶۱ هزار میلیارد تومان در سال ۹۰ رسیده است که رشد بسیار زیاد ۱۶۰۳ درصد را به نمایش می‌گذارد. همچنین درصد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده به لحاظ تعدادی از ۵،۸۹ درصد در سال ۷۸ به ۱۲،۴۱ درصد در سال ۹۰ رسیده است که ۱۱۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. به بیان بهتر در سال ۷۸ از هر صد فقره چک صادره حدود شش فقره برگشت خورده و این تعداد در سال ۹۰ به حدود ۱۳ فقره رسیده است. بر این اساس، متوسط ارزش چک‌های برگشت خورده از ۷۹۲ هزار تومان طی سال ۷۸ به ۵،۵ میلیون تومان طی سال ۹۰ رسیده است.

- میدانید تهران، اهواز و کرج ۳ شهر نخست آلوده جهان است؟

رییس انجمن آسم و آلرژی ایران- در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱- گفت: «عفونت‌ها، استرس و اضطراب، خستگی از کار، آلودگی هوا و دود بو موجب ایجاد آلرژی و تحریک آلرژی در آدمی می‌شود و متأسفانه تهران و اهواز و کرج ۳ شهر نخست آلوده جهان هستند که همین موجب شده تا این بیماری‌ها [آسم و آلرژی] تشدید شود.» در سال ۱۳۹۰، تهران دارای ۲۱۸ روز هوای ناسالم و بسیار ناسالم بوده است.^{۳۱} برابری آمارهای سال ۱۳۹۰،

آیا میدانید در....

آلودگی هوای تهران را از سال ۸۴ تا ۸۶ ماهانه به طور مستقیم ۱۴۰۰ نفر و سالانه ۱۶ هزار نفر اعلام کرده بود. مشاور محیط زیست در شهرداری تهران نیز در سال ۱۳۸۷ اعلام کرده بود که بر اساس آمار بهشت زهرا تنها در یک هفته با شدت گرفتن آلودگی هوای پایتخت ۱۵ درصد بر آمار مرگ بر اثر ایست قلبی افزوده شده است. سازمان حفاظت محیط زیست دارای وظایفی در راستای جلوگیری از آلودگی هوا و نیز رفع آن است که بدان ها عمل نکرده و نمی نماید.

میزان آلاینده بنزن در هوای تهران ۳۰ برابر حد مجاز و در محدوده پمپ بنزین ها ۶۰ برابر حد مجاز بوده است. منبع تولید بنزن سوخت است و کیفیت پایین سوخت و نیز اتومبیل ها، علت وجود بیش از اندازه بنزن در هوای شهر است. بنزن مشکلات بسیاری برای سلامت مردم ایجاد می کند و یک ترکیب سرطان زا است. آمار رسمی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوای تهران: سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ آمار رسمی مرگ و میر ناشی از

به مناسبت

شصت و پنجمین سالگرد شهادت فریدون ابراهیمی



سحرگاه اول خرداد سال ۱۲۲۶ خیابان ستارخان تبریز شاهد به دار آویختن مردی بود که با پوشیدن پیراهن سفید و کت و شلوار مشکی و سر و صورت صفا داده با گام های استوار و چشمانی پر از امید به آینده، به پای چوبه دار رسید و هنگامی که ترس را در چشمان جلدان دید. دستور داد تا طناب را به گردنش بیندازند. شهید فریدون ابراهیمی از تبار شیر زنان و دلیر مردانی بود که جان باختن در راه آرمانهای مردم را خدمت به خلق زحمتکشان میدانست.

سخنان فریدون ابراهیمی در زندان ستم شاهی که به بخشی از خاطرات فراموش ناشدنی زندانیان هم رزم او تبدیل شده بود. نشان از روحیه و اعتقادات او به مردم و راهی که رفته است می باشد. او بارها تاکید کرده بود: "من بهترین سالهای زندگی ام را در راه آزادی زحمتکشان آذربایجان صرف نموده ام. در این دوره تلاش کرده ام وظایف خود را بدون هیچ توقعی شرافتمندانه انجام دهم. من در میان شعله های مبارزات مردم زحمتکش تربیت شده ام و خود را خدمتکار مردم میدانم و به راه و مبارزه ای که در پیش گرفته ام افتخار می کنم و تا آخر اراده و جسارت خود را حفظ خواهم کرد".

فریدون ابراهیمی در تاریخ ۲۹ آبان سال ۱۲۹۷ در شهر آستارا در یک خانواده انقلابی و روشنفکری متولد شد. او از زندگی سراسر از مبارزات پدرش تاثیر پذیرفته بود و در دوران نوجوانی به مبارزگی آگاه و سرسخت تبدیل شده بود.

فریدون ابراهیمی در سال ۱۳۲۰ در دانشگاه تهران در رشته حقوق تحصیل می کرد و همزمان به نوشتن مقالات سیاسی مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ با مبارز بزرگ و توانای آذربایجان جعفر پیشه وری به همکاری در نشریه آژیر پرداخت.

در سال ۱۳۲۴ در رشته حقوق فارغ التحصیل شد و به آذربایجان برگشت. برگشت او به آذربایجان مقارن بود با انتشار بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴. وی این بیانیه را مورد حمایت قرار داد. روز ۱۴ شهریور "روزنامه آذربایجان" ارگان رسمی فرقه دمکرات آذربایجان منتشر شد. فریدون از همان روز نخست بعنوان هیئت تحریریه و یکی از نویسندگان فعال این نشریه شناخته شد. او مقالات سیاسی، اجتماعی، حقوقی، و تاریخی زیادی نوشت. مقالات و نوشته های فریدون ابراهیمی در ارتقا و دانش مردم و غرور ملی مردم تاثیرات فوق العاده به جای گذاشت. مقالاتی مانند "آذربایجان صحبت می کند" هنوز هم در آذربایجان از اعتبار زیادی برخوردار است. او در نوشته های خود آزادی و استقلال ملت سرزمین خود را می ستود و آذربایجانی ها را به خلاصی از اسارت و بندگی تشویق می کرد. وی همچنین توانست تاریخ واقعی آذربایجان را جایگزین تاریخ تحریف شده شاهان کند.

می کرد و از ایمان به آزادی و استقلال آذربایجان سرشار بود.

فریدون در بازجویی ها و "دادگاه" های اشغالگران بعنوان وکیل مدافع مردم ستمدیده آذربایجان ظاهر می شد و از منافع ملی ملت ترک و از منافع طبقاتی زحمتکشان آذربایجان با جسارت و قاطعیت دفاع می کرد. در آن دوره فریدون به صدای رنج دیدگان و مقاومت آذربایجان تبدیل شده بود. مقاومت شجاعانه فریدون در برابر دشمن به موضوع گفتگو زندانیان و مردم آذربایجان تبدیل شده بود.

فریدون در بیدادگاه اشغالگران، در بخشی از سخنان خود گفته بود:

" آینده از آن کسانی خواهد بود که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دستهایشان از شدت کار پینه بسته است. این دستهای پینه بسته در های تمام زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود. تمام جلادان و استثمارگران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید تمامی کسانی که ملتها را از حقوق ملی خود محروم نموده و فرهنگ و افتخارت ملی آنها را لگدمال کرده اندو برای پر کردن جیبها و کیسه های خود از طلا، انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده اند مجبور به جوابجویی جنایات و خیانتهای خود در مقابل مردم خواهند شد."

فریدون ابراهیمی پس از تحمل شش ماه زندان توام با آزار و شکنجه بالاخره حکم اعدامش صادر شد. و در سحرگاه اول خرداد 1326 به شهادت رسید.

هر ساله در این روز ملت آذربایجان به خاطر از دست دادن یکی از فرزندان لایق و دلیرش در اندوه و ماتمی عمیق فرو می رود. و خشم و نفرت تمام وجودش را علیه استعمارگران و اشغالگران فرا می گیرد. به همین خاطر یاد و عشق فریدون ابراهیمی پس از چندین دهه هنوز در دلهای مردم آذربایجان زنده است و هر سال در اول خرداد انبوهی از مردم برای تجلیل از فریدون ابراهیمی در قبرستان بهشت امامیه تبریز گرد هم می آیند

تجلیل از فریدون ابراهیمی، تجلیل از همه فدائیان و انسانهایی است که بعد از شکست حکومت ملی آذربایجان بدست اشغالگران حکومت پهلوی جان باختند. تاریخ آذربایجان با مبارزه و خون چنین انسانهایی نوشته شده است. و این مبارزه تا تحقق کامل ادامه خواهد داشت.

در جریان تشکیل دولت خودمختار آذربایجان، فریدون ابراهیمی یکی از بنیانگذاران حکومت، به دادستانی کل آذربایجان انتخاب شد او با تلاشهای بی پایان در انجام وظایف و مسئولیتهای خود آرامش و امنیت اجتماعی را در آذربایجان برقرار کرده و از منافع دهقانان، کارگران و دیگر ستمدیدگان آذربایجان حمایت کرد. فریدون در حالیکه بیش از 28 سال نداشت به عنوان یکی از اعضا هیئت مذاکره کننده آذربایجان در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ در تهران با دولت ایران به نمایندگی قوام السلطنه به مذاکره نشست. فریدون ابراهیمی در فعالیتهای خود استعدادهای خود را به زحمتکشان، دولت و ملت آذربایجان نشان داد که او، نه تنها حقوقدان بلکه روزنامه نگاری برجسته، سیاستمداری توانا و دیپلماتی فعال می باشد. فریدون بعنوان نماینده مطبوعات آذربایجان در کنفرانس صلح پاریس شرکت کرد. او به زبان فرانسه تسلط کامل داشت و توانست در فرانسه، آذربایجان رابه نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس صلح بشناساند. فریدون علاوه بر زبان ترکی و فارسی، زبانهای فرانسه و عربی را هم بخوبی میدانست.

دولت ایران جهت بسط حاکمیت دیکتاتوری خود، در آذر ماه ۱۳۲۵ تمامی معاهده ها و قراردادهای منعقد شده را نادیده گرفته و به اراضی و خاک آذربایجان با تمام قوا و با پشتیبانی آمریکا و انگلیس حمله کرد. فریدون ابراهیمی آذربایجان را ترک نکرد و برای مقابله با اشغالگران سلاح بدست گرفت تا از دولت و حاکمیت ملی آذربایجان دفاع کند.

فریدون همراه تعدادی از نیروهای مسلح و فدائی آذربایجان در ساختمان دفتر مرکزی فرقه درگیر جنگ سختی با اشغالگران شدند. در این زد و خورد فریدون ابراهیمی و رفقاییش علیرغم خستگی و بی خوابی نزدیک به دو شبانه روز در محاصره دشمن جنگ و مقاومت نمودند ولی متأسفانه مهمات فدائیان شجاع آذربایجان در جنگ سخت سنگر به سنگر به اتمام رسیده و به اسارت در آمدند.

فریدون در زندان تحت فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار گرفت ولی همچنان مبارزی پر شور و صمیمی باقی ماند. او با اراده ای آهنین رنجهای زندان، یاس و ناامیدی، تزلزل و تسلیم، شکنجه و مرگ را در برابر آرمانهای بزرگ و انسانی اش به تمسخر گرفته و تحقیر

حقوق اقلیت ها پایمال میشود

سراسر مناطق غیر فارس به مرحله اجرا در آمد. تاریخ ملتها به فراموشی سپرده شد. تاریخ باستان ایران بعنوان تاریخ واحد اقوام و ملل در مدارس تدریس گردید. این سیاست ناعادلانه و ضد ملی صد سال است با پیگیری و با خشونت اجرا میشود. چنین سیاست غیر عادلانه ای در شرایطی اجرا میگردد که، جهان از لحاظ رشد علمی و اقتصادی به بالاترین مرحله خود رسیده است. جامعه بشری در مسیر حرکت رشد یابنده خود از یک

در ایران ملت ها و اقوام مختلفی زندگی میکنند. همه این اقلیت های زبانی در حاشیه مرزی ایران سکونت دارند. و با همزبانان خود در آن سوی مرزها همسایه هستند.

ملت حاکم بعد از سقوط سلسله قاجار حکمرانی خود را در سراسر این کشور کثیرالمله برقرار نمود و با اعمال ستم ملی از رشد فرهنگی این اقوام جلوگیری نمود. سیاست یکسان سازی به معنای تدریس زبان فارسی در

حقوق اقلیت ها....

محروم بوده و بدین ترتیب جاننش در خطر است. چند روزنامه نگار و دانشجوی کرد محکومیت های طولانی زندان خود را میگذارانند. و عده ای از زندانیان سیاسی کرد به اعدام محکوم شده اند. فرزند کمانگر معلم کرد پس از ماه ها شکنجه در اردیبهشت ۱۳۸۹ اعدام شد.

در فروردین ماه ۱۳۸۴ عرب های خوزستان در اعتراض به طرح دولت برای تغییر بافت جمعیت استان، در خیابانها به اعتراض پرداختند. ده ها نفر در این اعتراضها کشته شدند.

اقلیت بلوچ سالیان طولانی قربانی تبعیض گسترده بوده است. در سالهای اخیر تعداد زیادی از زندانیان سیاسی بلوچ و نیز تعدادی از روحانیون اهل سنت بلوچ در این منطقه اعدام شده اند. ده ها نفر بدون محاکمه به قتل رسیده اند.

قتل و کشتار تا کی ادامه خواهد یافت؟ سیاست سرکوبگری نمیتواند جلوی خواسته های قانونی ملل تحت ستم را بگیرد. به نظر میرسد که هیئت حاکمه ایران از تجربه تاریخ درس عبرت نگرفته است. ایرانیان صرف نظر از منسوبیت ملی و قومی خود سالیان دراز از وحدت و یکپارچگی ایران حمایت بعمل آورده اند. اما این به آن معنا نیست که هر قومی حق ندارد در اداره منطقه و یا محل زندگی خود مشارکت داشته باشد. نهضت بیست و یک آذر و دوم بهمن در آذربایجان و کردستان گرچه سرکوب شدند اما در تاریخ مبارزات خلقهای ایران با خط زرین ثبت گردیده اند. این قیام تاریخی امروز نیز بعنوان چراغ راهنما برای دست یابی به حقوق ملی مورد استفاده نسل کنونی و نسلهای بعدی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تحولات در عراق همسایه ما نشان میدهد که دست یابی به خودمختاری محلی و ملی به هیچوجه به معنای جدائی از کشور واحد نیست. حکومت مرکزی باید افکارکهنه و ارتجاعی خود را دور بریزد و حقوق ملل و اقوام ساکن در ایران را به رسمیت بشناسد. و بدین ترتیب به وحدت و دوستی ملل و اقوام گوناگون یاری رساند. غیر از این راه دیگری وجود ندارد. در غیر اینصورت چنانچه دهها سال نشان داده است، ملت ها برای رسیدن به حقوق از دست رفته خود از مرگ و کشتار و زندان و شکنجه هراسی ندارند. و تا رسیدن به آن از پای نخواهند نشست!

صورتبندی اجتماعی به صورتبندی دیگری تعالی پیدا میکند. اما این روند در تمام کشور ها به یکسان صورت نگرفته است. مثلا در چند کشور خاورمیانه، از جمله در ایران عوامل معینی از تحولات قانونمند جامعه بشری جلوگیری به عمل آورده اند. رشد سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و از جمله حق تعیین سرنوشت هر خلقی به دست خودش با منافع عوامل یاد شده در تضاد قرار می گیرد. بی جهت نیست که هر صدای عادلانه ای در نطفه سرکوب میگردد. در همین راستا است که با اوج گیری بحران های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در کشور، سرکوب اقلیت های قومی نیز شدت گرفته است. از آن جمله میتوان به چند نمونه اشاره کرد. در روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ در سیستان و بلوچستان نیروهای امنیتی در شهر راسک روی کسانی که به دستگیری ۱۵ نفر از جمله دو امام جماعت اهل سنت بلوچ اعتراض داشتند، آتش گشودند. در این درگیری یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند. پس از آن در روز ۳۱ اردیبهشت دادستان زاهدان اعلام کرد که چند تن در ارتباط با ترور امام جماعت یک مسجد دستگیر شده اند. بیم آن می رود که بازداشت شدگان در خطر شکنجه و احتمالا مجازات اعدام قرار گیرند.

در روز اول خرداد محاکمه چندین نفر از اعضاء جامعه قومی عرب ایرانی در اهواز آغاز شد. شش تن از آنها با اتهام های مبهم محاربه با خدا و افساد فی الارض روبرو هستند.

نیروهای امنیتی در شهرهای تبریز و ارومیه به اعتراضات مسالمت آمیز مردم حمله برده و ده ها نفر را بازداشت کردند. این اعتراضات در سالگشت تظاهرات ضد سیاست های تبعیض آمیز دولت علیه آذربایجانی ها در سال ۱۳۸۵ و سیاست های دولت در ارتباط با دریچه ارومیه انجام شد.

فعالان فرهنگی و حقوق بشر در آذربایجان سالها است بشدت مورد آزار و تعقیب بوده اند. سعید متین پور، روزنامه نگار آذربایجانی و فعال حقوق اقلیت ها، از سال ۱۳۸۶ محکومیت هشت سال زندانی خود را میگذاراند.

فعالان سیاسی و مدنی کرد به اعدام محکوم شده اند. کردها، بلوچها و عرب های ایران با سرکوب سیاسی بیشتر روبرو هستند. محمد صدیق کیبودوند بنیانگذار و رئیس سازمان حقوق بشر کردستان در ۱۳۸۶ به ده سال و شش ماه زندان محکوم گردید. او در سال ۱۳۸۷ یکبار دچار سکت قلبی و بعدا نیز سه بار دچار سکت مغزی شده است. اما در تمام این مدت از دسترسی به پزشک معالج

به ادعای رژیم**حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به تاریخ پیوستند.**

عصر ایران بدون در نظر گرفتن چرایی عدم شرکت احزاب و سازمانها و اکثریت مردم در انتخابات دوره نهم مجلس می نویسد: «سیاست تحریم انتخابات مجلس از سوی اصلاح طلبان شکست خورد و احزابی نظیر

این خبر کوتاه بعد از انتخابات دوره نهم مجلس در نشریه عصر ایران چاپ شد. این واکنش به خاطر آن بود که برای اولین بار اصلاح طلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی را تحریم کرده بودند. گرچه انتخابات انجام گرفت و نمایندگان مورد نظر اصولگرایان به مجلس راه یافتند.

به ادعای رژیم....

مشارکت و سازمان مجاهدین انقلابی نیز به اعتبار همین عملکرد به تاریخ پیوستند.» آنچه با انتخابات ارتباط دارد. مسئله تحریم و عدم تحریم مطرح نیست. انتخابات در همه کشورهای غیر دمکراتیک همیشه تحت نظارت شدید هیئت حاکمه برگزار میشود و نمایندگان وابسته به جناح حکومتی «انتخاب» میشوند. و قوه مقننه تحت نظارت کامل حکومت قرار میگیرد. اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی ایران در انتخابات دوره ششم اصلاح طلبان اکثریت مطلق نمایندگان مجلس را از آن خود ساختند. انتخابات دوره ششم زمانی برگزار گردید که محمد خاتمی اصلاح طلب سیاسی رئیس جمهور بود. اگر به خاطر بیاوریم که نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم با چه دشواریها روبرو شدند و حتی دست به تحصن زدند. زیرا شورای نگهبان همه قوانینی که در مجلس ششم تصویب میشد رد میکرد و جنجالی در این موارد راه می افتاد. اصولگرایان این تجربه «تلخ» را مد نظر قرار دادند. و «اشتباهات» خود را در انتخابات دوره هفتم اصلاح نمودند. تحریم اصلاح طلبان از جمله حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلابی با توجه به انتخابات مهندسی شده و غیر قابل نظارت ناظران بیطرف، نمی توانست در سرنوشت انتخابات تاثیر داشته باشد. در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری احمدی نژاد از پنج میلیون رای در دور اول، بشکل معجزه آسایی در دور دوم انتخابات، بیست و چهار میلیون رای آورد. این تناسب، از پنج تا بیست و چهار میلیون، رقم باور کردنی نیست.

این فقط ایران نیست که هیئت حاکمه از طریق به اصطلاح انتخابات، به هر شیوه ای قدرت را حفظ می کنند. بطور مثال انتخابات ریاست جمهوری در روسیه نسبتاً دمکراتیک، نامزد دولت با بدست آوردن شصت و سه درصد آرا برای سومین بار در راس قدرت باقی می ماند. روسیه کشوری است که در آن فعالیت احزاب سیاسی حتی کمونیستها آزاد است. اما این احزاب در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بیش از ده تا پانزده درصد رای بدست نمی آورند. اما این به آن معنا نیست که احزاب غیر حکومتی نفوذی در میان مردم ندارند. بلکه این حکومتی است که با استفاده از اهرم های حکومتی، اکثریت آرا را از آن خود میسازد. اما در ایران که فعالیت

احزاب سیاسی نه تنها چپ، بلکه احزاب اسلامی نیز غیر قانونی است و رهبران آنها در زندان بسر میبرند. ادعای رژیم در مورد انتخابات آزاد و رقابتی ادعایی پوچ و بی اساس بیش نیست.

نهضت آزادی یکی از احزاب اسلامی است که توسط بازرگان در سال ۱۳۴۴ تشکیل گردید. و برای دمکراتیزه کردن ایران «شاهنشاهی» به مبارزه برخاست. به همین دلیل بازرگان و دیگر شخصیت های سرشناس این حزب دستگیر و زندانی شدند. اکنون نیز ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی بدلیل فعالیت سیاسی در زندان بسر میبرد.

در ایران صداها خفه میشود. مردم به معنای واقعی کلمه از شرکت در سیاست کنار گذاشته شده اند. نظر مردم در مورد عملکرد حکومت مورد توجه قرار نمیگیرد. با اعمال چنین سیاست سرسختانه حکومت پایگاه اجتماعی خود را هر روز نسبت به قبل بیشتر از دست میدهد و مجبور است، تنها با توسل بزور موجودیت خود را حفظ کند.

در شرایطی که مردم جهان علیه حاکمان خودکامه دست به قیام میزنند و تغییرات سیاسی در داخل کشور خود بوجود میآورند. میتوان درس عبرتی برای دستگاه حاکمه ایران باشد؟



هشدار ۱۱۷ تن از زندانیان سیاسی بند ۲۵۰ اوین در مورد سلامتی حسین رونقی

ملکی

الف زندان اوین منتقل شد. رونقی و برادرش در زندان شدیداً تحت فشارهای جسمی و روحی قرار گرفتند. تا جایی که بنا بر گفته خانواده اش حسن رونقی در اثر شکنجه ها از ناحیه مهره های پشت گردن آسیب دید. برادر وی با قرار ۸۰ میلیون تومان وثیقه از زندان آزاد شد.

حسین رونقی ملکی متولد ۱۴ تیرماه ۱۳۶۴ ملکان تبریز دانشجوی رشته نرم افزار کامپیوتر دانشگاه آزاد اراک، وبلاک نویس و فعال حقوق بشر آذربایجانی در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۸ همراه برادرش حسن رونقی ملکی در منزل پدری اش در شهر ملکان بازداشت شد. و به بند دو

هشدار ۱۱۷ تن از

تداوم فشارها بر روی وی در سلول‌های انفرادی برای اخذ اعتراف تلویزیونی موجب آن شد که رونقی در تاریخ سوم خرداد ماه ۱۳۸۹ دست به اعتصاب غذا زده و بار دیگر به سلول انفرادی منتقل شود. پس از اعتصاب غذایش پدر و مادر این وبلاگنویس برای پیگیری وضعیتش به تهران مراجعه کردند اما هیچ خبری از فرزندشان به دست نیاورده و مسئولین قضایی پاسخی به آن‌ها ندادند. در پی شنیدن جواب منفی برای ملاقات حضوری از سوی **دادستان تهران**، مادر حسین رونقی همزمان با فرزندش تصمیم به اعتصاب غذا گرفت تا این که وی پس از نزدیک به دو هفته اعتصاب غذای خود را شکست.

حسین رونقی در مرداد ماه بار دیگر برای انجام مصاحبه تلویزیونی شدیداً تحت فشار قرار گرفت به طوری که مجبور شد بار دیگر برای نزدیک به ۱۰ روز دست به اعتصاب غذا بزند. این امر موجب قطع تماس‌های تلفنی وی از سوی بازجویان با خانواده‌اش شد.

در تاریخ هفتم شهریور ۱۳۸۹، با مخالفت بخش «سایبری سپاه» قرار بازداشت موقت حسین رونقی بعد از نزدیک به ۱۰ ماه بازداشت برای یک ماه دیگر تمدید شد، این در حالی بود که برای وی وثیقه‌ای معادل ۳۰۰ میلیون تومان نیز به دادگاه ارائه شده بود، اما قاضی پیر عباسی ریاست شعبه ۲۶ **دادگاه انقلاب** به خاطر مخالفت اطلاعات **سپاه** از آزادی وی جلوگیری کرد.

حسین رونقی ملکی که یکشنبه شب در پی وخامت حالش به بیمارستان منتقل شده بود، با وجود آنکه خطر از دست رفته کلیه‌اش وجود دارد، حاضر به شکستن اعتصاب غذا نشده و به همین خاطر از وصل کردن سرم نیز جلوگیری کرده است.

این وبلاگنویس زندانی که از دو سال و نیم قبل بدون مرخصی در زندان به سر می‌برد، معتقد است بدون پیگیری کامل درمان در خارج از زندان، امکان بهبود وضعیت او وجود ندارد. به همین خاطر او تأکید دارد که تا زمان گرفتن مرخصی درمانی، به اعتصاب غذای خود ادامه خواهد داد.

اما خانواده این زندانی سیاسی نگران اند که ادامه شرایط فعلی به سرانجامی تلخ و ناگوار منجر شود. جمع گسترده‌ای از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین نیز در نامه‌ای که دیروز در کلمه منتشر شد، هشدار داده اند که رسیدگی نکردن به وضعیت حسین رونقی، ممکن است برای او خطرات جانی در پی داشته باشد. آنها به سابقه مشابه بی‌توجهی مسئولان به سلامتی هدی صابر اشاره کرده بودند که به مرگ او منجر شد.

در این نامه همچنین به نظر پزشکی قانونی که در خصوص رونقی ملکی رای به «عدم تحمل کیفر» داده است و همچنین نظر پزشکان متخصص و معالج که بر نگهداری ایشان پس از عمل در خارج از زندان تأکید کرده بودند، اشاره شده است.

سیدحسین رونقی، از روز شنبه گذشته دست به اعتصاب غذا زده است. او قصد خود برای اعتصاب غذا را هفته پیش در نامه‌ای سرگشاده خطاب به خامنه‌ای اعلام کرد و هدفش از این اعتصاب را در قسمتی از نامه مذکور این‌گونه شرح داد: «اینجانب در اعتراض به این رویه

های غیر قانونی از تاریخ ششم خرداد ۱۳۹۱ اعلام اعتصاب غذا می‌کنم و مسوولیت حفظ جان من بر عهده مسوولان جمهوری اسلامی است. این اعتصاب غذا در اعتراض به ناروایی‌ها و شکایت از دخالت‌های سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات در امور قضایی و سلب استقلال این قوه و تلاش برای احیای قانون اساسی، آیین دادرسی، استقلال قضایی و احیای حقوق زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان نظیر برخورداری از مرخصی، تلفن، ملاقات و غیره است.»

نامه ۱۷ تن از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین: بسمه تعالی

ریاست محترم بند ۳۵۰ جناب آقای اعلایی

با سلام و احترام

همانطور که مستحضر هستید، آقای حسین رونقی ملکی که در بند ۳۵۰ دوران محکومیت خود را سپری می‌کند، دچار بیماری شدید کلیوی است که در دوران حبس به آن دچار شده است و اقدامات درمانی انجام شده در مورد ایشان در دفعات قبل به دلیل اینکه بر خلاف نظر پزشک معالج پس از عمل، ایشان را به زندان بازگردانده اند، نتیجه‌ای نداشته و حتی اثر منفی بر وضعیت سلامتی وی داشته است.

طبق ماده ۲۹۱ آیین دادرسی کیفری هرگاه اجرای حکم موجب شدت بیماری و تأخیر در بهبودی محکوم علیه باشد، به تشخیص پزشک قانونی و یا پزشک معتمد اجازه ی معالجه در خارج از زندان صادر می‌شود. با توجه با اینکه در مورد آقای حسین رونقی، پزشکی قانونی رای بر عدم تحمل کیفر داده است و پزشکان متخصص و معالج تأکید بر نگهداری ایشان و پس از عمل در خارج از زندان دارند، اما تا کنون این امر محقق نشده و این عدم رسیدگی موجب ایجاد خطرات جانی برای وی شده و نگرانی فراوانی در بین همبندیان ایشان ایجاد کرده است.

با توجه به سابقه عدم رسیدگی به وضعیت سلامتی زندانیان که در مواردی متأسفانه منجر به فوت آنها، از جمله مرحوم هدی صابر، گردیده است از تمام مسوولین ذیربط درخواست می‌شود که با رسیدگی هرچه سریعتر به وضعیت درمانی نامبرده مانع از بروز هرگونه اتفاق ناگواری برای وی گردند و همچنین موجبات رفع نگرانی هم بندیان ایشان را فراهم آورند.

بدیهی است تبعات عدم رسیدگی به این امر بر عهده ی مسوولان ذیربط خواهد بود.

نولوم ده بیر حیاتی‌دیر



پیرشاغا کندینه، آناسین قوحوملارینین ائوینه پناه گتیریر، موقتی اولاراق آنالارینین یوردو اولان پیرشاغا کندینه قوحوملارینین حمایه سینده مسکونلاشیرلار.

۱۹۵۳- جو ایلدن باکی دمیریول واغزالینین بربرخانه سینده ایشلمه یه باشلایان قهرمان، از زمان کسینده پایتختین ان ماهر ساچ اوستاسینا چوریلیر. پایتخت باکینین مشهور مدنیت و اینجه صنعت آداملاری، علم و دولت خادمی داهای معاصر و یاراشیقلی گورونمک ایچون بو یوکسک اختصاص صاحبینه مراجعت ایدیرلر. تقاعده چیخانا قدر ۵۱ ایل عینی بیر یرده چالیشان قهرمان، آذربایجان دمیریولونون اجتماعی حیاتی‌دیندا اکتیو فعالیتینه گوره «فخری دمیریولچو» آدینا لایق گورولموشدور.

۱۹۵۴ جو ایلدن قهرمان زبرات قصبه سینین ۱ مای کلوبونون نزدینده کی گولش بولمه- سینده ییندن مشقلمه باشلاییر. تز بیر زماندا کلاسیک گولش نوعنده نوزونو گوستره رک، یوکسک زیروه لری فتح ایدیب، س. س. ری ایلمان اوستاسی فخری آدینا لایق گورولور.

۱۹۵۵- جی ایلده آدف نین مرکزی اورقانی اولان «آذربایجان» قزنتی، فرقه نین یتیشدیرمه سی و عضوی اولان بو پهلوان حقیقنده فخر حسیله دیرلی یازیلار دا ویرمیشدی. غلبه ایسته یی، زحمت نوز بحره سینی تز بوروزه ویردی، او بیر - بیرینین آردینجا زاقاقازیا، س.س.ری سلاحلی قوه لرینین چنپونو آدینا لایق گورولور. ایلمان کاریراسینین باکیدا اوغورلا دوام ایتدیرن قهرمان آذربایجان دمیریولونون «لوکوماتیو» جمعیتینین کچمیش اتققلار شوراسینین یاریشلا ریندا، زاقاقازیا دمیریوللاری بیرینجیلیک رینده فخری کورسونون ان یوکسک پیلله سینه قالمیش، رسوبلیکا ایلمان جمعیتینین «نفتچی» اوردو ایلمان کولوبو، «لوکوماتیو»

قهرمان خلیل اوغلو (آهنگی) ۱۹۳۴- جو ایلده باکیده کاسیب ایرانی صنعتکار عائله سینده دنیا یا گلمیشدیر. ۱۹۳۸- جی ایلده آهنگلر طالعین آماسیزلیغینا توش گلدیلر. آتاسی خلیلی بوتون عائله عضولری ایله بیرلیکده باکیدان ایرانا دپورتاسیا ایدیرلر. اصلا باکینین پیرشاغا کندیندن اولان آناسی چوخ چالیشیب، ایران وطن داشلیق سندینی آلاراق قوحوملارینینی آتیب، ایکی اوغونو، ۴ یاشلی قهرمانی و ۲ یاشلی نریمانی گوتوروب ایرانا گندیر. اردبیلین آغ چای کندینده مسکونلاشان عائله عضولری نصرولله خان و اونون ال آتیلاری اولان بیگلرین حکمرانلیق ایتدیگی کنده فئودال اصول اداره ایله باریشمیر. سووه ت آذربایجانیندا آزاد امک، تحصیل، حقوق برابری گورن خلیل کیشی، س.س.ردن دپورتاسیا اولونان بوتون «باکیلیلار» کیمی ملی آزادلیق حرکتی سیرالارینا قوشولور. ۱۹۴۱- جی ایلده سووه ت قوشونلارینین ایرانا داخل اولماسی ایله علاقه دار بو مبارزه نین اوغورلاری اولسا دا ارتجاع قوه لرینین تضیقی نتیجه سینده عائله تهران شهرینه کوچملی اولور. ایلمان بالاجا قهرمانی چوخ ماراقلاندریغیندان محله کلوبوندا یونان روما گولشی ایله مشغول اولماغا باشلاییر. از زمان ایچریسینده مشقچیلری اوندان بو گولش نووو ایچون غیر آدی استعداد اولدوغونو گوروب، ۱۰ یاشلی ینی یتمه پهلوانی ۱۹۴۴- جو ایلده مشهد شهرینده کنجیریلن ایران بیرینجیلیینه آپاریرلار. نتیجه نوزو گوزلنیلمز اولور، یاشینا و تجربه سینه گوره اوندان بویوک اولان رقیبلرینین هامیسینا غالب گلن قهرمان، ایران بیرینجیلیکینین یوکسک پیلله سینه قالمیش. ایران چمپیونونون مدالی بونونا آسیددیگی زمان مشقچی بالاجا قهرمانا کوره یینه ووروب: «آدین قهرماندیر، نوزون ده اولدون قهرمان» دنمیشدی. سونرالار ایرانین مشهور پهلوانلاریندان درس آلان قهرمان، گنجلر آراسیندا دا نوز تیتولونو قورو یوب ساخلایا بیلیر. ۱۹۴۵ - جی ایلده تهراندا گوجلنن انقلابی احوال - روحیه، سید جعفر پیشه وری ایده بالارینین تهرانداکی طنطنه سی، آهنگلر عائله سینین بوتون عضولرینی انقلابی حرکتا قوشموشدو. قهرمان انتباهنامه لر یاپیشدیرماقلا، شاه علیه نه چیخان روزنامه لری یایماقلا مشغول ایدی. بو محتشم انقلاب بدخواه لارین الی ایله قانا باتیریلاندان سونرا آدف تعصبکشلری اولان عائله ۱۹۵۳ - جو ایلده دکنتر مصدقین رهبرلیگی ایله تشکل تاپان و پهلوی رژیمینی تیره دن ینی انقلابا قوشولدولار. ۱۹ یاشلی قهرمانین شاه قارشی ایدیلن سوؤ قصده اشتراک ایدن گنج آزادخواه لارلا البیر اولدوغوندان خبر توتان ساواک، درحال اونون حبسینه خطام ویریر. بو وضعیتدن قورتولوشون بیر یولو قاچاقچی واسطه سی ایله سووه ت آذربایجانینا کنجک ایدی. تهراندا هم امیدویرن پهلوان، هم ده فنونیا ل بربر (سلمانی) کیمی تانینان قهرمان ایرانا ویدالاشمالی اولور. چتین تهلکه لی، اولایلاری، مانعه لری دف ایدن ۷ نفرلیک عائله س.س.ری سرحدینی کنجیب، باکینین

تولوم ده.....

ایکی ایل نونجه باکیدا زورخانا گولشی اوزره کئچیریلن دنیا بیرینجیلیینده اشتراک ایتمه یه گلن ایران بیغما کومانداسینی معشاییت ایدن تله ژورتالیستلرده نوزلرینه دوغما سایدیقلاری قهرمانا بیگانه قالماییب، باکی چمپیوناتینا حسر ایتدیقلری فیلمده اونا دا بیر آیرلمیش، فیلم دفعه لرله ایران تله کانالاریندا نمایش ایتدیرمیشدیر. حاکملیک شهرتینین سراغی ایرانا بیتنجه، قهرمان مشهور ایران پهلوانی امامعلی حبیبین شرفینه، دنیا شهرتلی پهلوان غلامرضا تختینین خاطره سینه حسر اولونوموش بین الخلق گولش تورنیرلرینین باش حاکمی رانقیندا چیخیش ایتیمک ایچون، تاریخی وطن ایرانا یاریشلارین باش آربیتری درجه سینده دوعت اولوندو. آساققال خیر- دوعاسی دوشرلی اولار، دنیه باشقا وتران پهلوانلاریمیز ایله بیرلیکده گولش جنگاورلریمیزی آتلانتا، سیدنی، آفینا، پکینده کچیریلن محتشم اولیمپیا اویونلارینا یولا سالانلار و ظرفله قاییدانلاری قارشیلایانلار آراسیندا قهرمان دا وار ایدی. اونون مارق دایره سی چوخ گنیش ایدی، مطالبعی، موسیقی، چوخ سئوردی. انوننده حاجی بابا حسینوفون، آغابالا عبداللایوین، شاهمالی کرد اوغلونون، ذاکر میرزه یوین، ایرجین، قولپایگانینین، موصطفی پاپانین قالاق- قالاق آودیو- ویدیو لنتلری خصوصی رفته نمره لترک ساخلانیردی. طبیعی کی، ان چوخ سئودگی آذربایجان موغاملاری ایدی

۲۰۰۲- جی ایلهده یاشینین حاکملیک لیمیتی ده بیتدیکن سونرا قهرمان معلم گولشدن، پهلوانلاردان آیریلماق ایچون، یاشادیغی بینانین حیطینده کی انکزوتیک بیر باغچادا آذربایجان گولش و تیرانلاری مجلسینی یاراتدی.

۲۰۰۴- جو ایلدن اونون صدرلییی ایله فعالیتته باشلایان مجلس آیدا بیر دفعه توپلاشیر، اورادا آذربایجان گولشی تاریخینده کیچیک ده اولسا ایزی اولان گولشچیلر خاطرلانییر، دوغوم گونلری کئچیریلیر، ایدمانا گوستردیکلری خدمت آنیلیر، رسپوبلیکانین گولش حیاتییدا باش ویرن نیلیکلر حقیقده معلوماتلار ویریلیر، دنیانین گولش حیاتی ایزله نیر، فاکتتلار آنالیز ایدیلیر. مجلس عضولری وتران گولشچیلرین حیاتی ایله ماراقلانییر، اونلارا باش چکیر، خیر- شرلرینده اشتراک ایدیرلر. بو گون قهرمان معلمین یوخلوقونو هر آیین سونونجو بازار گونو- مجلسین عضولری حس ایله جکلر. ۶ / ۵ / ۲۰۱۲- جی ایلهده حیاتییدا دیشن قهرمان جبرایلوف خاطرلایانلار آراسیندا چیخیب، هیچ وقت اونودولمایاجاق و خاطرلاناچاقلار سیراسینا کئچمیشدیر. الله رحمت ایله سین!

بیرینجیلیکلرینده دفعه لرله غالب گلمیش، روسپوبلیکا و س.س.ری بیرینجیلیکلرینده مکافاتا لایق یر توتوموشدو رسپوبلیکانین بوتون مرکزی قزنت لری، موسکوا دا نشر اولونان «سوه ت سکی سپورت» قزنتی اونون حقیقده اونلارلا مقاله و فوتو شکلدر درج ایتدیرمیشدیر. سابق س.س.ری- ده و مستقل آذربایجان رسپوبلیکاسیندا گولش عالمی حقیقده بوراخیلان بیر چوخ مفصل کتاب و ژورناللاردا قهرمان ایدمان فعالیتی کفایت قدر ایشیقاندیرلمیشدیر. یاشی ایله علاقه دار اولاراق گولش خالچاسیندان اوزاقلشدیقجا، اونا بیر حاکم کیمی داها چوخ باغلانان قهرمانین آدی (اونو بوتون ایدمان اجتماعیتی بنله چاغیریدی) تز بیر زماندا رسپوبلیکانین تانیمیش گولش حاکملری ایله بیر جرگه ده چکیلمه یه باشلادی. ملی گولش یاریشلاریندا ایسه قهرمان جبرایلوف همیشه منصفار هیئتینین باشیندا اولوب. اونا گوره کی، آرازین او تاپیندا کئچن ایک گنجلیک دورونده بنله یاریشلارا چوخ باخمیش، نوزو ده اونلاردا اشتراک ایتمیشدی. بو گولشین قایدا- قانونلارینا یاخشی بلد ایدی.

هم ده اونا اینانیردیلا، بیلیردیلا کی، قهرمان اولان برده ساختاکارلیق، بالان اولو بیلیمز. حکمیت کاریراسی دورونده قهرمان گولش خالچاسی اوزرینده حق- عدالت کشیکچیسسی اولماغی اونا تاشیردیلا. اونودولماز بیر گوروش ایسه اونون حیاتی ایچون چوخ ماراقلی ایشی اونا تاپشیردیلا.

اونودولماز بیر گوروش ایسه اونون حیاتی ایچون چوخ ماراقلی و یاددا قالان اولدو. دنیا و اولمپیا چمپیونو گولش افسانه سی غلامرضا تختی نوزون قیزیل حاکملیک فیتینی قهرمانین بوینونا آسدی. بو فیت ایدمان آکادمیاسیندا قیمتلی بیر رنلیکویا کیمی قورونور. حیاتین ایران دورو گولش فعالیتینین بنی بیر مرحله سینه ده بوپوک تاثیر گوسترمه یه باشلادی. بنله کی، ۱۹۹۰- جی ایلرده ایرانلا یاخشیلان مدنی و دوستلوق علاقه لرینین فونوندا آذربایجاندا چوخدان اونودولوش زورخانا گولشینین ده برپاسیندا نولکه نین آپاریجی متخصصلری ایله بیرلیکده چین - چینه چالیشدی. ایران بیغما کمانداسینین، خصوصیله اردبیل و تبریز زورخانا پهلوانلارینین باکیا تاثیر، قهرمانین هم وطنلری ایله حرارتلی مناسبتلری، باکی زورخانا مکتبیین یارانماسینا گتیریب چیخاردی. ۲۰۰۴ جی ایلدن ملی اویونلار آسوساسیاسینین ملی گولش فدراسیاسینین ویتسه پرزیدنتی، حاکملر کمیته سینین صدری اولان قهرمانین آذربایجان گولشینده فعالیتینی نظره آلان «آذربایجان تله فیلم» یارادیجیلیق بیرلی، اونون حقیقده «قهرمان» آدی تله ویزیامیزین نوروز بایرامینا حسر ایتدی ان باخیملی «اتلیمین بایرامیدیر» آدی سندلی فلمینده او، آدی سانلی پهلوانلارین ملی گولش نوعده گوج سیناملارینا حاکملیک ایتدی سوژنده کادر یادداشیندا ایدیشدیرلمیشدیر.

تیرگی روابط میان ایران و آذربایجان به زیان خلقهای هر دو کشور است

در اکثر کشورهایی که بخشهای بزرگی از اهالی آنها را مسلمانان تشکیل می دهند، نظیر آذربایجان، شئونات اسلامی طبق باورهای حاکمان جمهوری اسلامی رعایت نمی شود، محافل و فستیوالهای رقص و آواز نیز برگزار می گردد. ولی جمهوری اسلامی با آنان مشکلی ندارد. حتی با وجود اینکه دین اسلام دومین دین بزرگ بخش مهمی از شهروندان روسیه است، مجالس رقص و آواز هم همواره برقرار است، و زنان مسلمان به ندرت شئونات مورد نظر رهبران جمهوری اسلامی را رعایت می کنند، رئیس جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس شانگهای اعلام می کند که روسیه نزدیکترین متحد ایران است!

علت اصلی برخوردهای تنش آمیز دولت جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان هیچ یک از اینها نیست. اکثریت دولتمردان جمهوری اسلامی همانطور که در سیاست داخلی ارتجائی و مستبدانه و زورگویانه خود، تلاش می کنند ایرانیان را به عقب بازگردانند و مردم را با قوانین قرون وسطائی اداره کنند، در آن بخش از سیاست خارجی خود که به جمهوری اکثرا شیعه نشین آذربایجان مربوط می شود، خاطرات 200 سال قبل سلاطین قاجار را در ذهن دارند و این خاطرات بر رفتار و گفتار عظمت طلبانه آنان سایه افکنده است. به همین دلیل است که بسیاری از دولتمردان سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان و اهالی آن رفتار و گفتار قیم مابانه و توهین آمیز دارند و بر خلاف قوانین بین المللی در امور داخلی و شیوه زندگی اهالی آذربایجان به شکل مستمر دخالت می کنند.

علاوه بر این، رژیم مستبد و تمرکزگرا و ضددمکراتیک جمهوری اسلامی که مخالف حقوق و آزادیهای دمکراتیک مردم ایران و از آن جمله حقوق ملی خلقهای ساکن ایران است، ناخواسته و با اجبار دیپلماتیک بین المللی با تولد کشوری به نام «جمهوری آذربایجان» کنار آمده و علی رغم تمایل ذاتی خود، مجبور به پذیرش رسمیت آن شده است. رژیم جمهوری اسلامی صرف نظر از نوع نظام درونی جمهوری آذربایجان و فراز و نشیبهای سیاستها و امور داخلی و خارجی آن، اصل موجودیت این جمهوری و تحکیم و پیشرفت آن را نگران کننده و مشوق افزایش تلاشها و مبارزات مدنی آذربایجانیها و سایر خلقهای ساکن ایران در راه کسب حقوق ملی خود ارزیابی می کند.

تنها راه مسالمت جویانه در جهت تامین منافع ملی کشورهای ایران و آذربایجان و خلقهای برادر ساکن دو کشور آنست که دولتمردان جمهوری اسلامی از رفتار قیم مابانه و برخوردهای «از بالا به پائین» و تحقیرآمیز با جمهوری آذربایجان پرهیز کنند و مطابق حقوق بین الملل در امور داخلی و شیوه زندگی اهالی آذربایجان مداخله نکنند و ناخواسته کشور همسایه را به سوی دشمنان ایران نرانند. مناسبات برادرانه و دوستانه و برابر حقوق و گسترش بیش از پیش این مناسبات به نفع هر دو کشور و خلقهای ساکن آنها است. و این نوع مناسبات اصلی ترین ضامن آن خواهد بود که هیچگاه از اراضی آذربایجان خطری متوجه منافع ملی ایران و خلقهای کشورمان نگردد.

روابط سیاسی و مناسبات حاکمان جمهوری اسلامی ایران با دولتهای منطقه قفقاز طی 20 سال گذشته همانند نبوده و از اصول یکسانی پیروی نکرده است. این ناهمسانی به ویژه در مقایسه مناسبات ایران با جمهوریهای متخاصم آذربایجان و ارمنستان که هر دو از همسایگان ایران هستند، بیشتر دیده می شود. مناسبات ایران با جمهوری ارمنستان طبق عرف بین المللی بسیار عالی است، در حالی که روابط با جمهوری آذربایجان همواره با فراز و نشیب پیش رفته و گاه به تنشها و اختلافات شدید منجر شده است. داشتن روابط دوستانه و حسن همجواری با کشورهای همسایه به سود منافع ملی ایران است. ولی چرا میان جمهوری اسلامی ایران با جمهوری مسلمان نشین آذربایجان که در بین کشورهای همجوار بیشترین اشتراکات و مشابهت های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، قومی، ملی و مذهبی را با خلقهای ایران دارد، روابط با ثبات سیاسی و دوستانه و مستحکمی وجود ندارد؟! اکثر تحلیل گران و مفسران امور سیاسی و اجتماعی ایجاد این تنشهای گاه به گاه در روابط میان حاکمان جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان را به دلایل متعددی نسبت می دهند که نمونه هائی از این دلایل به قرار زیر است: جمهوری آذربایجان روابط دوستانه و نزدیکی با دولت آمریکا و هم پیمانان او دارد؛

جاسوسان اسرائیلی از طریق آذربایجان به ایران رخنه کرده و در ایران عملیات تروریستی انجام می دهند؛ شئونات مذهبی در جمهوری آذربایجان مطابق باورهای حاکمان جمهوری اسلامی رعایت نمی شود و رفتار دولتمردان آذربایجان در این موارد خلاف توصیه های حکام جمهوری اسلامی است؛

به نظر ما، گر چه این نوع موارد می تواند موجب رنجش برخی افراد و گروه هائی در درون و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی گردد، ولی دلایل اصلی برخورد های کلی و تنش آمیز حاکمیت جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان اینها نیست.

به عنوان مثال، همه کشورهای همسایه ایران با آمریکا و هم پیمانان ناتوی و نزدیک این دولت روابط دوستانه و نزدیک دارند. حتی در برخی از آنها نظیر عراق و افغانستان دولتهائی بر سر کارند که که مستقیماً با کمک ارتشهای آمریکا و هم پیمانانش مستقر شده اند و هنوز هم دوام و بقای آنها به حمایت آمریکا وابسته است، آنها با دولت آمریکا پیمانهای استراتژیک بسته اند، آمریکا در خاک آنها پایگاه های نظامی بزرگ دارد، و هنوز هم ارتشهای آمریکا و هم پیمانانش از افغانستان خارج نشده اند. علی رغم همه اینها، حاکمیت جمهوری اسلامی با این دولتها مشکلات آنچنانی ندارد، روابطشان دوستانه است و حتی به آنها کمک هم می کند.

به بیان خود دولتمردان جمهوری اسلامی، بارها و بارها از اراضی دیگر همسایگان ایران، از جمله از پاکستان و عراق، تروریستها به اراضی ایران رخنه کرده و عملیات تروریستی انجام داده اند، ولی روابط دوستانه رژیم جمهوری اسلامی و آن دولتها دچار چنین تنشهایی نگردیده است.

عارف صفا

تبریز منیم سنه اوره بیم یانیر

تبریز، سن آتامین دو غما یوردوسان،
ایگیدلیک رمزیدیر سیننده کی قان.
دیوشدون، ووروشدون سن زمان – زمان،
باخدیقا حسنونه کونلوم اودلانیر،
تبریز، منیم سنه اوره بیم یانیر.

سن هیچ وقت اولمادیم السیز، دایاقسیز،
بیر عمر سورمه دین انلسیز، دایاقسیز،
الین اولماییدیر بیر گون یار اقسیز.
کونلوم سنه ساری هر گون بویلانیر،
تبریز، منیم سنه اوره بیم یانیر.

ستارخان یولوندا قانلار آخیدی،
تبریزدن تهرانا آتینی چاپدی،
سنینچین بیرجه ایل خوش گون یار اتدی.
کونلوم او گونلری آنیر حی آنیر.
تبریز، منیم سنه اوره بیم یانیر.

خیابانی گلدی دیلینده آتش،
پیشه وری گلدی الینده آتش،
باشینین اوستونده او جالدی گونش.
بو گون سینن اوسته اودلار قانلانیز
تبریز، منیم سنه اوره بیم یانیر.
تبریز، منیم سنه اوره بیم یانیر.

هله

تبریز، ایلر بویو دیوشسک ده بیز،
سنین کهنه یاران ساغالمیر هله
سنه نسیل – نسیل بورجلویوق بو گون،
اوزوموز قارادیر، آغارمیر هله.

یاخشی او غوللارین زندانلار دادر،
قوربت انلرده دیر توفانلار دادر،
کونلوموز، گوزوموز عصیانلار دادر
خاینین یوواسی داغلمیر هله
سنین کهنه یاران ساغالمیر هله
سنین کهنه یاران ساغالمیر هله

آزادلیق دئمکن یورولدو دیلین،
آغزیندا آلیشیب قورولدو دیلین،
آنجا سعادته چاتمادی الین.
آزادلیق گونشین دو غولمور هله
سنین کهنه یاران ساغالمیر هله

اوره بین چیرپینیر قفسده قوش تک
دادینا چاتماییر گویلردن فلک،
عارف گنجه – گوندوز دئییر نیله یک؟
ظالم عمور سورور بو غولمور هله
سنین کهنه یاران ساغالمیر هله
۲۰۱۱